

بولتن اخبار داخلی سازمان دانش جویان ایرانی در امریکا
شماره دوازدهم (۷،۴۹،۸۸)

www.KetabFarsi.com

اطلاعیه

با تشکیل سازمان چریکهای فدائیس خلق ایران در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ سر فصلی نوین در جنبش کمونیستی ایران گشوده شد. رزمندگان فدائیس سرچشم سرخ انقلاب را علیه رژیم منفور پهلوی به اهتزاز در آوردند و خط پطالانی بر خیابانها، بازارها و مسانجات طلبی های حزب فدائیانقلابی توده کشیدند.

سازمان چریکهای فدائیس خلق ایران با صلاحیت انقلابی توانست در پیرویه قیام عموم خلقی بهمن ۵۷ از ارزش و اعتبار گسترده ای در میان کارگران، زمینکنان و روشنفکران انقلابی برخوردار گردد. اما پراز قیام و بقدرت رسیدن رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی سازمان چریکهای فدائیس خلق ایران که از منن یک جوان رکود و اختناق پا هم رسه حیات گذاشته بود - اینبار با انبوهی از مسائل لاینحل در جهات تئوری و پراتیک روبرو بوده. بر چنین بستری بخشی از سازمان تحت عنوان "اکثریت" که راه سازش و تقدیس رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و رفرمیسم حزب توده را برگزیده بود، توانست فربه ای سخت را بر پیکر سازمان فرود آورد. لیکن بخش انقلابی سازمان تحت عنوان "اقلیت" با ارزیابی صحیح از ماهیت طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی، تلاش وزهد تا سازمان را از حوزه یک تشکیلات چریکی به سازمانی با تشکیلات پرولتری ارتقاء دهد. برگزاری کنگره سازمانی، برنامه عمل در تقابل با بی برنامهگی سابق و گذار از تاکتیکهای روزمره به استراتژی اصولی گونه هائی از حرکات بالنده سازمان در این دوره محسوب می شود. اما بر بنتر انحرافات و کاستیهای در حیطه های تشکیلاتی و ایدئولوژیک به ویژه در نیم دهه اخیر سازمان چریکهای فدائیس خلق ایران را با یک رشته از انحرافات و انشاقات روبرو نمود. ماحصل این جدائیها که از کانال مبارزه ایدئولوژیک سالم مرتفع نگردیده بود، هیچ فرایندی جز تشتت و پراکندگی و در نهایت فروپاشی سازمان چریکهای فدائیس خلق ایران را به همراه نداشت.

محفل ملتشدر و پوکراتییک مرکزیت بنمایندگی بهرام و توکل کلیدی ترین نقض را در تولید و بازتولید بحرانهای سازمان ایفا کردند. آنها در این مسیر با تسخیر ابزارهای تشکیلاتی هرگونه دموکراسی درون سازمان را نفی و خود مختاری مرکزیت را جایگزین آن کردند. برخوردار سائرسی اعضا و اعمال انبوهه فردی، سبب تشکیل محافل رنگارنگ در کمیته گردستان، کمیته رادیو، کمیته خارج و... زافراهم آورد. محافلی شکننده که سببلی از سبک کار غیر پرولتری و گزینش روابط

انتزاعی را در سرلوحه کردارش قرار داده بود .

اشفاق اخیر به اثبات رسانید که گروههای بیرون آمده از سازمان که بخاطر اعتدال و حیثیت در جنبش چپ ایران تحت این عنوان اعلام موجودیت کرده اند ، هیچکدام و محتوای تکامل گرائی سازمان را به همراه ندارند و این گروهها قاعد برنامه ، تشکیک و توانی هستند که بتوانند از لحاظ تئوری و پراتیک در پیوند با کارگران و زحمتکش جامعه قرار بگیرند . از نظر ما ، وجریان کمیته اجرائی با گرایشاتی به راست کمیته خارج با موافقی نیسیلیتی ، امروز با درج انتقاداتی سطحی در نشریات رسانه هایشان به شکست . خوش اعتراف نمودماند .

چنانکه همگان آگاهید ، انجمن ماطی اطلاعاتی در تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۸۷ ضمن سرز بندی قاطع با دوجناح برآمده از محفل مرکزیت واتخاذ شیوه تحقیق و مطالعه در دیدگاههای سیاسی - ایدئولوژیک " هتیه اقلیت " بعنوان بخش صادق و انقلابی اشفاق اخیر سچفنا به مباحثات خود ادامه داد . ما در این روند توانستیم با برقرار رشتنه پیوند های نزدیک با تشکلهای سابق هوادار در کشورهای دیگر که دارای جمعیتی تقریباً یکسانی با ما میباشند ، به فعالیتهای سیاسی - تشکیلاتی خود ادامه دهیم از آنجائیکه سبک کار و نقد ما از گذشته هیچگونه انطباقی با اسم پیشین ما تحت عنوان " انجمن دانشجویان ایرانی در سوئرال - کانادا هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (گرایش مستقل) " ندارد و از طرفی سچفناهی حضور ندارد که در گفتار و کردار ستاد رزمند کارگران و زحمتکشان باشد . بنابراین نام خود را تغییر داده و سر از این تحت عنوان " انجمن دانشجویان ایرانی سوسیالیست در سوئرال - کانادا " به فعالیتهای خود ادامه خواهیم داد . ما این عنوان را بدین جهت برگزیدیم که از پیشینه دانشجویی برخوردار بوده و در ضمن دانش پژوهانی هستیم که در راه آرمانهای سوسیالیستی کوشش میوریم .

بی خریدی خواهد بود اگر گفته باشیم که ما بر بحرانیتهای انجام گشختهای که بر ما تحصیل شده ، فائق آمده ایم . ما راهی را برگزیدیم که از کوان فراز و نشیبهای بسیاری میگردد و در این مسیر با برخوردی نقادانه در سطح درونی و بیرونی و در حد توان بمبار خود در جهت استقلال طبقاتی کارگران و بیرونی حزب طراز نهمین طبقه کارگر ادامه خواهیم داد .

سرنگون باد در هم جمهوری اسلامی

بسر قرار داد جمهوری دموکراتیک خلق

نسابود بار امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

زنده باد سوسیالیسم

انجمن دانشجویان ایرانی سوسیالیست در سوئرال - کانادا

هشدار به "داه کادگر"

محکوم کردن چاقوکشی مزدوران حزب الله به معنی تطهیر ضد انقلاب نیست

پنجشنبه ۱۷ ماه مه، روز قدس و روز تظاهرات سراسری مزدوران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بود که برای اعتراض به اشغال قدس و تکرار شعارهای مضحك "نه شرقی و نه غربی" بر علیه "امپریالیسم" و "عهیونیسم" گرد آمد بودند. در این روز سازمانها و عناصر انقلابی و مبارز تحت نام "ایرانیان مبارز مقیم استکهلم" از ایرانیان مرفقی و مبارز برای تجمع در محل تظاهرات مزدوران رژیم دعوت کردند تا بتوانند بار دیگر خشم و عمیق خود را با افشاکری های مسالمت آمیز نظیر بخش اعلامیه و فعالیت های آگاه گران بر علیه مدافعین جهل و اختناق، نمایند. اما هنوز قایقی چند از تجمع ایرانیان مبارز نگذشته بود که قداره بندگان رژیم، طبق سنت دیرینه ها و اوایشان حزب الله حملات وحشیانه خود را علیه مخالفین آغاز کرد و با چاق و زنجیر و... تعدادی را زخمی و مجروح کردند. خبر این حمله، تروریستی به طور گسترده ای در مطبوعات و رسانه های خبری سوئد کاسریافت و بار دیگر ماهیت مافوق ارتجاعی رژیم خمینی را نزد افکار عمومی برملا گردانید.

بدون تردید تروریسم رژیم جمهوری اسلامی علیه هرگونه نیروی مخالفی (چمتقاله های دوران سلطنت و چمتا نه های ماهیتا ضد انقلابی چون حزب توده و جناحین فدائیان اکثریت که تا دیروز خود در شمار قداره بندگان رژیم محکوم است، چرا که در اینجا نفس تروریسم رژیم مطرح است، و این تروریسم شامل حال جمیع نیروهای مخالف رژیم می باشد.

مجروح شدن یکی از هواداران سازمان فدائیان اکثریت (کشتگر) در روز قدس، فرصتی بود تا بار دیگر سیاست ها و مع چپ روانه و راست روانه، برخی از گروه ها در رابطه با این مسئله به نمایش گذاشته شود.

عدای عملی بر این باورند که از آنجائیکه فرد مجروح، هوادار یک جریان ارتجاعی و ضد انقلابی است، لذا نبایستی دفاع گردد. پاسخ ما به این عداه از رفق این است که نیروهای انقلابی و کمونیست ها می بایست با تروریسم روبرو گردند و بر علیه عرفردی که متوجه باشد، مقابله کرده و آنرا محکوم کنند. با صراحتاً اعلام می کنیم حکوم کردن چاقوکشی و ترور اکثریت، حزب توده و یا سلطنت طلبان به هیچ وجه به معنی تطهیر ماهیت ضد انقلابی این ها نمی باشد و ما با مواضع و عملکرد های خیانت کارانه و کارنامه های ننگین آنان مرزبندی های قاطع و روشنی داریم. مقابل، از این عداه از رفق استوال می کنیم که اگر تروریسم رژیم را به دلیل اکثریتی بودن قربانی آن محکوم نمی کنید، بیائید صراحت موضع خود را در مقابل زندانیان سیاسی که بخشی از آنان نیز اکثریتی و... هستند مشخص کنید. آیا شما دانی کردن، شکنجه و اعدام تمام زندانیان سیاسی مخالف هستید، یا در اینجا نیز "مرزبندی های" را تجویز کنید؟ آیا شما به شعار آزادی بدون قید و شرط تمام زندانیان سیاسی اعتقاد دارید و یا در این مورد نیز شرط و شروطی را قائل هستید؟ متأسفانه این رفق قصد دارند طوری وانمود کنند که تو گوئی فقط اینانند که (باتشجیحی و بحث های هیستریک) پیشتاز مبارزه ضد ریزیونیستی بوده و فقط اینانند که به ماهیت مزدور و عوامل روسیه و طیف های - اکثریتی پی برد هاند و دیگران در راه ترکستان طی طریق می نمایند.

اما اگر این برخورد چپ گرایانه و سکتاریستی، مضر بود، و نیروها و عناصر انقلابی را به انفعال در مقابل جنایات هولناک دعوت می کند، در طرف دیگر برخورد راست روانه را مشاهده می کنیم که از تتر "همه" مخالفین رژیم در کنار هم دفاع و با توهم آفرینی در مورد ماهیت خائنین توده های - اکثریتی، همه تلاش خود را در ریشبرد سیاست سازش و معاشات ن طیف به عمل می آورد. در جمع "ایرانیان مبارز مقیم استکهلم"، سازمان راه کارگرتنها نیروئی است که مخالف وت سیاسی طیف توده و اکثریت است. اگر راه کارگر بر این پندار باشد که "انتقاد از خود" ابکی انشعابیون توده ریت، این جماعت معلوم الحال را غسل تعمید انقلابی داده است، پس طبیعی است که آنها در حلقه وحدت و آری فرار گیرند و باز طبیعی است که راه کارگر با یکوت سیاسی این طیف (کارگزاران سیاستهای شوروی) روی خوشی ن نمی دهد و نظر او عملاً "رسالت" تطهیر و اعاده حیثیت ضد انقلابیون کاسه لیس را به عهد گرفته است.

سازمان راه کارگر بر آن است که انشعابیون و انفصالیون توده های - اکثریتی با گذشته خود تفاوت ماهوی یافته اند،

به اعتقاد ما این "حکم" آیکی راه کارگرد رخورهان "انتقاد از خودهای" آیکی است که در چنته "توده" و "اکثریت" فراوان یافت می شود و رفقا نباید از ما انتظار جدی گرفتن آنرا داشته باشند .

ما به سازمان راه کارگر هشد ارمی دهیم که اگر ما یل به مبارزه در صف نیروهای مرفی و انقلابی است، از بازی کردن نقش پل واسط بین انقلاب و ضد انقلاب دست بردارد . ما به سازمان راه کارگر هشد ارمی دهیم که باید یرفت حائنین در صفوف خود و وحدت تشکیلاتی با "اشعابیونی" که جرائم سنگینی را بدوش میکشند و لکه ننگ محسوب میشوند، بالاخره در گرداب ضد انقلاب غرق خواهد شد که در آن صورت با آنان همان برخوردی خواهد شد که امروز با جاسوسان توده های و اکثریتی به عنوان ستون پنجم ابرقدرت شوروی می شود . کوتاه سخن آنکه مخالفت راه کارگر با بایکوت سیاسی توده و اکثریت نهایتاً موجب بایکوت خود راه کارگر از جانب نیروهای انقلابی می گردد . سرنوشت رقت انگیز سازمان اکثریت بایستی درس عبرتی برای "راعی" باشد که راه کارگر در حال حاضر برای خود برگزیده است .

به اعتقاد ما اتحاد عمل نیروهای مرفی و انقلابی، بدون مرزبندی های لازم و اصولی با سازمانها و احزاب ارتجاعی و وابسته که تادیروز در رکاب پاسداران اسلامی به شکار انقلابیون مشغول بوده و در سرکوب و امحاء فیزیکی نیروهای ترفی خواه و کمونیست "رسالت" چنین امری را به عهده داشتند، میسر نمی باشد . نیروهای مرفی و انقلابی می بایست برای پویائی و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی، مواضع خود را در مقابل سازمان طیف توده های مشخص کنند تا تمامی ایرانیان مرفی و مبارز بتوانند به طور تنگاتنگ و در یک فضای دموکراتیک به امضاء مبارزه "مشترک علیه رژیم جمهوری اسلامی یاری رسانند . به عنوان مثال در جنبش ضد جنگ، به نظر ما ذکر نام تمامی کشورهای که دستی در آتش جنگ دارند، اصولیت بیشتری به آکسیونهای ضد جنگ داده و تعداد بیشتری از عناصر و نیروهای آگاه را بسیج خواهد نمود . در حالی که سکوت در مقابل عدو و اسلحه کشورهای بلوک شرق به ایران و عراق عملاً به توهم و شایعه پراکنی مبنی بر "ریسی" و یا "توده های" بودن نظاهرات دامن زده و موجب تشتت و پراکندگی و در نتیجه تضعیف اتحاد عمل نیروهای مرفی و انقلابی خواهد گردید .

باشد نابا اتحاد عمل جمیع نیروهای مرفی و انقلابی بتوانیم در مقابل جنایات کثیف و توطئه های رذیلانه رژیم ایسنادگی کرده و دراز عمرگونه فرقه گرائی و مخزومونی طیبی کاذب ماهیت و چهره واقعی رژیم خونخوار جمهوری اسلامی را به جهانیان نشان دهیم .

پیرمزیاد اتحاد عمل تمامی نیروهای مرفی و انقلابی !

سازمان پاد رژیم جمهوری اسلامی !

مرک بر امپریالیسم، سوسیال امپریالیسم و ایادی داخلی شان !

سازمان هواداران حزب کار ایران (توفان) - استکھلم

خلق به تو سلام میکند

سعید سلطانپور!

میآئیم و بسیار میسوم
 فرد فرد میآئیم و جمع میسوم
 سازمان میسوم
 حزب میسوم!
 به قلبت کوچ میکنیم و پا دو یای
 گوزنهای وحشی
 به سنج ستیز بلند یک انقلاب میزنیم!

.....

دروازه واژههای سرودهای رهائی
 در بند بند سرودهای آتش و خون
 تویی مانی در قلب خلق
 گل میدهی در قلبهای ما که
 بسیاریم بسیار
 از ظهر تا غروب از غروب تا صبح
 به بسیاری بند بند رنج کارگران
 بینهای دست برزگران
 تاول پای مادران
 خم خسته پدران

رفیق سعید سلطانپور در سال ۱۳۱۹ در یکی از شهرهای خراسان متولد شد، بعد از دوره دبیرستان به کار آموزشی پرداخت و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران کار هنری خود را آغاز کرد. سعید زمانی به کار نمایشنامه سرود هنر پرداخت که فرهنگ و هنر انقلابی و پیویا زیر سیطره خفقان و سانسور رژیم سرطانی، دوران سیاهی را میگذراند. رفیق سعید از همان سالها ۳۹ - ۴۰ که در هنرهای زیبای معون بود با آوردن نمایشنامههایی بر روی صحنه و سردادن سرودهای انقلابی درباره ایران خفته و غارت امیرالیم سرودشوق مبارزاتی را در میان روشنفکران و جوانان برانگیخت و هوای تازه‌ای از مبارزه را در شهر و هر آن زمان دید. در چنان شرایطی رژیم وابسته به امیرالیم شاه منطاً او را در امان نمیگذاشتند و در سال ۱۳۴۹ هنگام کارکردانی نمایشنامه آموزگاران توسط ساواک دستگیر و برای مدت سه ماه در زندان گرفتار آمد. باز تاب دستگیری رفیق در میان مردم رژیم را مجبور به آزادی او کرد ولی بارها در مراحل مختلف توسط رژیم دستگیر گردید. در سال ۱۰ هنگام برگذاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله با آوردن نمایشنامه‌هایی بر روی صحنه سرودشوق مبارزاتی مردم را هر چه بیشتر علیه رژیم شدت بخشید و جوابی دندان شکن به دستگیرها بازداشت وزندهانی و توقیف تاثر توسط رژیم را داد.

سعید که با شعری انقلابی و ایمانی استوار به مبارزه علیه رژیم سرطانی و ابدی حاکم بر ایران برخاسته بود هرگونه سازش و سازش‌طلبی را با رژیم نفی میکرد. او در اثر معروف خود "نوعی از هنر نوعی از اندیشه" با "هنرمندان" و روشنفکران بورژوا که تاثر را برای پستومقام شروت میدیدند به مخالفت برخاسته و با برخورد علی و عمیق خود به حاکمان ایران و شرایط سیاسی حاکم و سردرگمی "هنرمندان" موجودیت "هنر" آنها را به زیر سؤال کشید.

رفیق سعید سلطانیور بارها توسط پلیس دستگیر و مورد شکنجه و آزار دشمنان هنر و فرهنگ انقلابی قرار گرفته ولی در چنین شرایط طاقت فرسا لب به سخن نگشود و در طول این مدتی به نوشتن دو مجموعه شعر خود بنام "آوازه‌های بند" و "از گشتارگاه" پرداخت.

سعید سلطانیور بعد از آزادی از زندان با برگزاری شبهای شعر، دانشکده صنعتی تهران و انستیتوی گونه در تهران را به مناسبتی از مبارزه آشکار علیه رژیم شاه تبدیل نمود و به مخالفت با سازشکاران ترسو و خجسته و آنهاییکه میخواستند شیبا را با آرائی، صلح و صفا برگذار کنند برخاست.

رفیق سعید که در شرایط ترور و خفقان حاکم بر ایران مورد تعقیب روزافزون پلیس قرار گرفته بود بناچار از ایران خارج شد و در اروپا با تشکیل "کمیته از زندان تا تبعید" و برگزاری شبهای شعر خوانی و سخنرانی همچون گذشته لفظهای از کوشش جهت پیشبرد آرمانهای انقلابی خود باز نایستاد.

در پیرویه قیام خونین بهمن و سرنگونی رژیم شاه توسط توده مردم بلافاصله به میان آنها باز

گشت و با دیدی علمی و ضیقانی و آگاهانه از ماهیت ارتجاعی و ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی به مقاله

با عنوان ارتجاع و مبارزه علیه سانسور و اعدای خود سرانه رژیم پرداخت. رفیق سعید که بعنوان

یکی از هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران و سندیکی کارکنان و هنرمندان تئاتر برگزیده شد برخلاف

بسیاری از سازشکاران و کاسه لیسان رژیم جمهوری اسلامی به عناوین مختلف به مبارزه پرداخت و در

مدت کوتاهی با آوردن چند اثر خود بر روی صحنه از جمله "عاشق کارگر ایران ناسیونال"، "مرگ بر امپریالیسم"

تئاتر کارگری و فرهنگ ^{انقلابی} در ایران را روحی تازه دمیده یا بچهره آوردن گروههای تئاتر در کمیته و حیایان هنر

و فرهنگ انقلابی را بیان نموده و بحثگر جامعه می برد و آنها را به مبارزه و جنگ با سرطانی‌داری و میدانست.

رفیق سعید سلطانیور که بعنوان یک فدائی زندهگی شرح خود را در مبارزه آشتی ناپذیر علیه سرطانی

داری و در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان میدیده، صلح نمیتوانست لفظی سازش را با رژیم جنایتکار

جمهوری اسلامی بپذیرد و زمانی که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مورد حملات و حیایان ضد انقلابیون

اکثریتی قرار گرفت و در دفاع از جمهوری اسلامی به جاسوس و گشتارگوییها پرداختند، رفیق سعید

با موضعگیری انقلابی در دفاع از مواضع سازمان به طرف اکثریتهای خائن سلطنت و به آرمان من فدائیس

وفادار ماند.

رژیم سرطانی‌داری جمهوری اسلامی که از سازمان چریکهای فدائی خلق و از نوآوریهای هنر ضدان

انقلابی او برآستی در هراس افتاده بود، شکار عناصر و کادرهای انقلابی سازمان را در مرحله اول دستگیر

کار خود قرار داد و در اولین موج دستگیریهایی و اعدای و حشیانه رفیق سعید را در ۲۷ فروردین ۱۳۶۰

در شب عروسی دستگیر و همراه با تنی چند از انقلابیون بعد از شکنجه های وحشیانه و غیر انسانی

در ۳۱ خرداد همان سال به جوخه اعدام کرده.

بماد سرخ سعید گرامی باد!

R. E.

Postfach 83 11 35

6230 Frankfurt/M. G.F.

سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی هوادار

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۳۱ خرداد ۱۳۶۷



بیاد رفیق پیکارگر منوچهر فرهودی

آنها که خاموش نمی نشینند و شعله های سرکش زندگی را با شعله وجود خود برمیافروزند، اندک بستند. آنان ستاره اند، آتشند و شعله وار بر خرمن شب زیانه میکشند و گرم و آتشین به انجاماد فصل سرد می زنند،

و رفیق منوچهر از این بیشماران بود. او اندیشه سرخ رهائی را در واژه واژه سخن و حرکت مبارزاتی خود آموخته، آلیاژی از مخمل و پولاد و سرشار از خشم و عاطفه بود. به رهائی می اندیشید و با روحیه خستگی ناپذیر کمونیستی بر علیه ستم و استثمار رهائی کار از قید سرمایه به پیکار برخاسته بود. او میچگاه سنگر دفاع از انسانهای زحمتکش و دردمند را رها نساخت. و در طی چندین سال مبارزه بر علیه پیم شاه و جمهوری اسلامی بشر آزادی، رهائی انسان و سوسیالیسم بود. او بدور از هرگونه تعصب جنم گرایی، اما با تاکید بر اصول و استقلال سیاسی برای فعال کردن مبارزه لحظهای آرام نداشت. از همین روست که وی محبوب کلیه مجامع دمکراتیک و انقلابی و چهره آشنا با مبارزات خارج از کشور بود. دنبال کلمات نگردیم تا تصویری از او ترسیم نمائیم. سخن کوتاه. او سرود آزادی را ترنم میکرد و برای وطنین کردن این سرود همیشه در تلاش و مبارزه بود.

مرگ در رخ انکیز رفیق منوچهر فرهودی ضایعه ای است برای کلیه انسانهای آزادیخواه و مبارز و اکنون که ما همکاری رفیق ارزنده ای محروم شده ایم، در میان انبوهی از تجربیات و آموزشهای او می کوشیم تا یادش همیشه های او را پاس داریم و در هر گام از مبارزه خود، یادش را گرامی بداریم.

زنده بیاد آزادی

گرامی باد یاد رفیق منوچهر فرهودی

زنده بیاد سوسیالیسم

سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی هوادار سازمان

چریکهای فدائی خلق ایران



اعتصاب سه روزه کارگران کارخانه زامیاد منجر به دستگیری ۸ تن از کارگران انقلابی گردید

کارگران و زحمتکشان ،
مردم مبارز ایران ،

پس از اعتصاب و تظاهرات با شکوه و موفقیت آمیز کارگران کفش ملی و وادار نمودن رژیم به عقب نشینی، در مقابل خواسته‌های به حق کارگران که در ماه‌های اخیر شاهد آن بودیم اینک کارگران کارخانه زامیاد در اعتراض علیه انتقال عده‌ای از کارگران به مراکز دیگر که در نتیجه موجب کاهش دستمزد آنها می‌شد در پنجم خرداد ماه ۱۳۶۷ دست به اعتصاب زدند که این اعتصاب سه روز به طوایف انجامید. رژیم حامی سرمایه‌داران در پی این اعتراض و اعتصاب، در هر اسرا از عزم راسخ و اتحاد و تشکل کارگران با دستگیری هشت تن از کارگران و با تهدید، اعتصاب آنان را به ظاهر در هم شکسته.

رژیم وابسته به سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در پی سیاستهای ضد کارگری خود از فردای پس از قیام در تلاش برای درهم کوبیدن تشکلات کارگری، بسیاری از کارگران مبارز و پیشرو را دستگیر و در بسیاری از کارخانه‌ها و موسسات سپاه پاسداران سرمایه‌دار مستقر نمود. بیارهاد رسانه‌های خود از آنکه بر تمامی نیروهای مبارز غلبه کرده است داد سخن داد. اما، زهی خیال باطل، کس کارگران و زحمتکشان و مردم مبارز همه روزه شاهد اعتصابات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان در طی این سالها بوده و می‌باشند. کارگران بخوبی آگاهند که هیچ نیرویی یارای درهم شکستن اتحاد و تشکل آنان را ندارد و این نیروی بی‌امان کارگران، عزم راسخ و اتحاد و تشکلشان است که نظام پوسیده سرمایه‌داری را از ریشه بر خواهد کند.

کارگران مبارز اسرایران ،
شرط پیروزی ضربه کارگر اتحاد و تشکل طبقاتی کارگران است. بدون تکیه‌ای واحد پیروزی ممکن نیست. برای مبارزه‌ای متحد و متشکل در تمامی کارخانه‌ها و موسسات کمیت‌های کارخانه را ایجاد کنید. و با اتحاد و تشکل سراسری خود به پشتیبانی از اعتراضات کارگران در کارخانه‌های مختلف پیوند خود را مستحکم کرده و با اعتصابی عمومی سراسری و قیام مسلحانه رژیم پاسدار سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را سرنگون کنید.

مردم مبارز ایران ،
برای آزادی هشت کارگر زندانی کارخانه زامیاد و هزاران زندانی سیاسی این فرزندان راستین خلق که اینک در سیاه‌چالهای مخوف رژیم سرمایه‌داری برند، برای پایان دادن به این جنگ ارتجاعی مانع‌سوز که جز با سرنگونی رژیم میسر نیست، برای پایان دادن به تمامی بدبختی‌هایی که گریبانگیر شما شده است، و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق بپاخیزید.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلی
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق
هر چه مستحکم‌تر باد اتحاد و تشکل کارگران سراسر ایران
زنده باد سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - واحد کارگری مرکز

۱۲ خرداد ماه ۱۳۶۷

تکثیر از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - کربلا - ۱۳۶۷



اطلاعیه مطبوعاتی

در رابطه با عملیات نظامی " ارتش آزادیبخش ملی ایران " در شهر مهران

ادامه و تشدید روز افزون جنگ عراق و ایران تنها توسط ارتش های این دو کشور صورت نمی گیرد، بلکه " ارتش آزادیبخش ملی ایران " (اِن - اِل - آ) نیز که وابسته به سازمان مجاهدین خلق و تحت رهبری زوج سعود و مریم رجوی اداره می شود به عملیات نظامی علیه ایران دست می زند. از جمله عملیات نظامی " ارتش آزادیبخش ملی " حمله به شهر مهران در هفته گذشته و کشتار ۸۰۰۰ (به ادعای مجاهدین فقط سرباز) و باسارت در آوردن ۱۵۰۰ نفر است. حمله ای که در تحت حمایت صدام حسین و ارتش وی صورت گرفته است، چیزی که مجاهدین مایل به اعتراف به آن نیست. چنین حملاتی با برقراری دمکراسی و آزادی در ایران رابطه ای ندارند. زیرا حکومت صدام حسین، حکومتی که صدای دگر اندیشان را در گو خفه می نماید، حکومتی که در زندانهایش بیش از صد هزار زندانی سیاسی شکنجه می گردند، حکومتی که آخرین عمل کرد وحشیانه آن کشتار بیش از ۵ هزار نفر از اهالی شهر حلبچه کردستان عراق است، نمی تواند هیچگونه علاقه ای به برقراری دمکراسی و آزادی در ایران داشته باشد.

تاریخ اخیر ایران بما می آموزد که چنین اشتراك منافع تا چه حد نا پایدار می باشد. زمانیکه شاه و صدام حسین در سال ۱۹۷۵ در کشور الجزایر به توافقاتی رسیدند، یکی از شرایط این توافقات عدم پشتیبانی شاه از کردهای عراق به رهبری بارزانی بود. چیزی که باعث گردید تا مقاومت کردهای عراق علیه حکومت آن کشور از هم پاشیده شود. این بار نیز بعید نیست که در اثر توافقات احتمالی میان ایران و عراق سازمان مجاهدین و " ارتش آزادیبخش " اثر به سرنوشت مشابهی دچار گردند. بهمین خاطر نیز ما سازمان مجاهدین را از عواقب چنین اعمال ماجراجویانه ای بر حذر می داریم. در اینجا باید روشن گردد که مبارزه علیه رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی نه نباید در خدمت منافع قدرت های خارجی و نه در خدمت جانشین گردیدن دیکتاتور جدیدی باشد. کسانی که مردم ایران را بخاطر منافع خویش و یا نیروهای خارجی قربانی می نمایند، امری که از نظر ما محکوم است، با دمکراسی، آزادی و رهائی از اسارت کاری نیست. آنچه باقی می ماند این سؤال است که چرا " ارتش آزادیبخش " مجاهدین از درون کشور ایران به چنین نبردی دست نمی زند، بلکه در رکاب حزب حاکم بعث در بغداد حملات خود را از خاک عراق به ایران انجام می دهد؟

یکی از پیش شرط های برقراری دمکراسی و آزادی در ایران سرنگونی جمهوری اسلامی است. لیکن سرنگونی رژیم تنها می تواند از طریق مبارزات خلقهای ایران صورت گیرد و نه تحت رهبری صدام حسین و همدوش ارتش تجاوزگر عراق.

از سوی هیئت اجرائیه سازمان سوسیالیست های ایران

دکتر منصور بیات زاده

۱۹۸۸ / ۶ / ۲۸

علیه تروریسم رژیم خمینی متحداً مبارزه کنیم

روز ۱۲ ماه مه مزدوران رژیم خمینی در استکهلم - سوئد با تدارك ، سازماندهی و نقشه از پیش تنظیم شده کوشیدند یکی از اعضای سازمان ما را به قتل رسانند . نیم ساعت قبل از شروع راهپیمایی جیره‌خواران سفارت جمهوری اسلامی تحت عنوان روز " قدس " ، شش تن از تروریستهای وابسته به سفارت خمینی در سوئد در حالیکه دوتن از آنان چهره های خود را با نقاب پوشانده بودند ، از پشت سر بوسیله کارد و پنجه بوکس به رفیق کریم حمله ور شدند و پس از وارد آوردن ضربات متعدد به نامبرده و دوتن دیگر از پناهندگان سیاسی که به قصد جلوگیری از به قتل رساندن رفیق کریم توسط آدمکشان جمهوری اسلامی به آنان نزدیک شده بودند ، از معرکه گریختند . پلیس سوئد با توجه به شناسائی مزدوران توسط نیروهای سیاسی توانست سه تن از ضاربین را دستگیر نماید که دوتن از آنان توسط سفارت جمهوری اسلامی فعلاً آزاد گردیده اند و فرد سوم به جرم قتل عمد در زندان بسر میرد و جستجو برای دستگیری سه تروریست دیگر همچنان ادامه دارد .

مضحکه رسوای رژیم اسلامی در دفاع از جنبش مقاومت فلسطین در حالیکه رژیم صهیونیستی اسرائیل طرف عمده تامین نیازهای تسلیحاتی رژیم خمینی و دارای گسترده ترین روابط پنهانی با این رژیم میباشد ، در حالیکه رژیم اسلامی با ادامه جنگ و با تضعیف سازمانهای مبارز فلسطینی از طریق ایجاد آلترناتیوهای ارتجاعی و ایجاد شکاف در جنبش فلسطین ، امر پوشیده ای نیست .

این نکته نیز امر ناروشنی نیست که رژیم اسلامی همه ما لهچگونه با هزینه های گزاف اعم از پرداخت مستقیم پول به مشتی اوباش و همچنین فریب برخی عناصر از ملیتهای افغانی ، ترك و عرب تلاش در راه اندازی تظاهراتی بنام روز " قدس " ، بظاهر برای دفاع از ملت فلسطین و در واقع جهت تبلیغ برای رژیم که به هیچ عنوان مستقیماً مقدر نیست ، مینماید .

اقدام جنایتکارانه اخیر تروریستهای جمهوری اسلامی در استکهلم اولین اقدام تروریستهای رژیم خمینی برای ترور عناصر اپوزیسیون در خارج از کشور نبود . اصولاً یکی از ابزارهای شناخته شده عموم رژیمهای دیکتاتوری ، ترور مخالفین حتی خارج از مرزهای کشورشان برای جلوگیری از افشای ماهیت ضد مردمیشان و در عین حال ایجاد فضای وحشت در میان اپوزیسیون میباشد . اقدامات رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی و رژیم صهیونیستی اسرائیل در دو ماهه اخیر در ترور نماینده کنگره ملی آفریقا در پاریس و ترور ابوجهاد از رهبران طراز اول فلسطین در تونس و همچنین ترور بسیاری از مخالفین رژیمهای نظامی آمریکای لاتین توسط مسامورین این رژیمها در خارج از مرزهای کشورهایشان در سالهای گذشته نمونه های گویای همین واقعیت است .

روشن است که اقداماتی از این گونه توسط رژیم اسلامی در خارج از کشور ، آخرین اقدام رژیم نیز

نخواهد بود . فهم این واقعیت نیز نیاز به نبوغ سیاسی بخصوصی ندارد . همچنانکه ما در بخش اخبار داخل نشریه شماره ۷ " نبرد " هشدار داده بودیم ، بخش " عظیبات برون مرزی سپاه پاسداران " در صدد ترور فعالین و رهبران اپوزیسیون انقلابی و ترقیخواه در خارج از کشور می باشد و به همین منظور آدمکشانی حرفهای را نیز به خارج اعزام نموده است . تردیدی نیست که اهداف تروریستی رژیم اسلامی در خارج فقط محدود به این و آن سازمان سیاسی نبوده و بطوریکه تاکنون نیز شاهد بوده ایم دامنه آن به محدوده همه نیروهای مخالف رژیم ختم میشود . علاوه بر این ترور مخالفین یگانگه هدف رژیم از اینگونه اقدام نیست ، بلکه فراتر از آن رژیم از سازماندهی ترورها در خارج از کشور تضعیف اپوزیسیون از طریق گسترش ایجاد فضای جهنمی اختناق در خارج از کشور را نیز دنبال میکند . از این رو همه نیروهای انقلابی و ترقی خواه موظفند از طریق حرکات گسترده افشاء گرانگه و تبلیغی و بکارگیری همه امکانات در جهت افشای ماهیت تروریستی رژیم جنایتکار خمینی و انزوای هر چه بیشتر بین المللی آن تلاش نمایند و اجازه ندهند که اختلافات سیاسی میان نیروهای ضد رژیم موجب گسترش میدان عمل مزدوران رژیم جهت ضربه وارد آوردن به اپوزیسیون انقلابی و ترقیخواه گردد .

نکته آخر آنکه اگر رهبران مرتجع رژیم اسلامی می پندارند در شرایط پراکندگی نیروهای سیاسی قادرند ، با استفاده از اختلافات آنان ، آزادانه در جهت تضعیف جنبش ضد رژیم و گستراندن دستگاه رعب و وحشت در خارج از کشور حرکت نمایند ، تنها خشت بر آب میزنند ، زیرا هیچیک از اقدامات رژیم بطوریکه تاکنون نیز چنین بوده در آینده نیز نه فقط بدون پاسخ نخواهد ماند ، بلکه بدون تردید دامنه و ابعاد مبارزه علیه رژیم در اشکال مختلف هر چه بیشتر گسترده خواهد شد .

به نقل از : نبرد شماره ۹

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران
آلمان غربی - برلین غربی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

هم میهنان!

سرانجام سران رژیم در نتیجه مبارزه پیکر و بی امان شما خواهان و برادران و همه نیروهای صلح دوست و آزاد بخواه ایران و جهان مجبور به عقب نشینی شدند. کسانی که تا چند روز پیش شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" سر می دادند و با سوء استفاده از باورهای مذهبی مردم می گفتند: "جنگ امروز ما، جنگ قداست، عزت، شرف و استقامت علیه نامردمی هاست"، آن عناصر ضد خلقی که با توسل به شعار عوام فریبانه "جنگ اسلام علیه کفر" رفتن به قدس از راه کربلارا می دادند، هنوز چند صباحی نگذشته، طی تلگرامی رسمی به دبیر کل سازمان ملل متحد، قبول بدون قید و شرط قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را لغلام کردند.

اقدام اخیر رژیم که رسانه های گروهی خارجی آن را "غیر مترقبه" می نامند، برای حزب توده های ما به هیچ وجه حیرت آور نبوده و نیست. ما بارها اعلام کردیم که هیچ يك از طرفین مخصوصه در جنگ پیروز نخواهد شد. هیت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران در بیانیه سیاسی اخیر خود و نیز در تفسیرهای مهم دیگر ارگانهای تبلیغاتی صریحا نوشت که کشور ما آستان حوادث مهمی است. ما از مردم ایران خواستیم تا در راه پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از جانب سران رژیم پیکار کنند. ما بدرستی و در شرایط مناسب آن ایام قبول این قطعنامه را بسود مصالح ملی دانستیم. اما پاسخ سران رژیم چه بود؟ ارگانهای تبلیغاتی رژیم با حمله مستقیم به حزب توده ایران، سیاست ما را به اصطلاح همگون با سیاست امپریالیسم آمریکا معرفی کردند. در اینکه آنان سفسطه می کردند احدی تردید نداشت. ما مخالف جنگ بودیم و هستیم، زیرا در راه سعادت خلق و شکوفایی میهن نبرد می کنیم، نه کشتار جمعی انسانها و ویرانی و بی خانمانی و فقر و بیکاری و بدبختی زائیده جنگ.

با انتشار تلگرام سران رژیم به دبیر کل سازمان ملل متحد گام نخست در راه تحقق خواست مردم برای پایان دادن به جنگ برداشته شده است. اما این گام هنوز به معنی آن نیست که باید مبارزه در راه صلح را پایان یافته تلقی کرد. صلح در پیوند تنگ تنگ با آزادیهای دموکراتیک خواست عمده و اساسی مردم میهن ماست، بویژه اگر در نظر گرفته شود که رژیم سرنوشت خود را با ترور و اختناق و جنگ گره زده است. از اعلام قبول قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد تا امضا موافقت نامه صلح و تضمین امنیت در سراسر منطقه راه درازی در پیش راست. به همین سبب مبارزه در راه آزادی و صلح باید همچنان بی وقفه ادامه یابد.

بدون تردید عقب نشینی سران مرتجع ج ۱۰ و تسلیم شدن آنان در برابر خواست اکثریت خلق دایر بر آتش برس و نشستن پشت میز مذاکره، پیروزی بزرگ توده های زحمتکش و پیشاپیش آنان کارگران و نیروهای انقلابی و از آنجمله حزب توده های ماست. اما بار دیگر هشدار می دهیم که هنوز آغاز کار است و باید به مبارزه با شدت روز افزون ادامه داد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران توجه هم میهنان را بویژه به اطلاعیه ستاد فرماندهی کل قوا منتشر شده در ۲۷ تیر ۱۳۶۷، جلب می کند. در این اطلاعیه با زسخن از اعزام نیروهای رزمنده به جبهه ها و استفاده از همه "توان و تدبیر" برای تقویت سازمان رزمی "۰۰۰" می رود. باید با تمام نیرو با این سیاست يك بام و دو هوای رژیم ضد خلقی پیکار کرد. عقب نشینی رژیم نشان داد که هیچ نیروی را یارای مقاومت در مقابل اراده خلق نیست. از این تجربه باید حداثر استفاده را کرد.

خواهران و برادران!

با کمال قدرت و بدون اندکی هراس مخالفت خود را با اعزام عزیزان خود به جبهه ها علنادر خیا بانها، در کوی و برزن نشان دهید. این رژیم ضد خلقی و جلادان آن هستند که اینک از توده های میلیونی هراس دارند و باید پاسخگوی خونهای به هدر رفته پسران و برادران و نوباوگان ما باشند. فرزندان شما باید به آغوش مادران و پدران و همسران خود بازگردند. جنگ جز فلاکت و بدبختی و مرگ و ویرانی حاصلی نداشته و نمی تواند داشته باشد. باید از ادامه جنگ خودداری کرد.

زنده باد صلح!

مرگ بر جنگ افروزان و جنگ طلبان!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۷ تیر ۱۳۶۷

سازمان سوسیالیستهای ایران

Organisation of the Iranian Socialists

Organisation Iranischer Sozialisten (OIS)



۱۹۸۸ / ۷ / ۵

اطلاعیه مطبوعاتی

بخاطر سرنگونی يك هواپیمای مسافربری ایرانی بوسیله نیروی دریائی آمریکا

در تاریخ سوم ژوئیه ۱۹۸۸ یعنی يك روز قبل از سالروز استقلال آمریکا ، يك هواپیمای مسافربری ایران بوسیله نیروی دریائی آمریکا در خلیج فارس نا جوانمردانه سرنگون گردید .
در اثر این حادثه ۲۹۰ انسان بی‌گناه بقتل رسیدند . این قتل عمد زنان ، کودکان و مردان بی گناه شدیداً محکوم است .

نباید بنام دیکراسی و آزادی سعی کرد تا تقصیر این جنایت را به گردن جمهوری اسلامی انداخت ، بلکه نیروی دریائی آمریکا که همواره بعنوان پشتیبان ارتش عراق عمل می‌کند - واقعیتی که اعمال روزانه‌اش ثابت می‌نماید - مقصر واقعی است . غیر قابل قبول است که نیروی دریائی آمریکا ، این محافظ خود بر کزیده عبور و مرور آزاد کنستیا که به مدرن ترین کامپیوترها و دستگاه های سنسچسز مجهز است - در تشخیص يك هواپیمای کوچک جنگی از يك هواپیمای عظیم مسافربری عاجز باشد .
در سال گذشته زمانیکه نیروی دریائی آمریکا در صدر نیروهای نظامی پیمان آتلانتیک شمالی و همچنین نیروی دریائی اتحاد جماهیر شوروی با حضور خود در خلیج فارس به بحرانی تر گردیدن شرائط حاکم بر منطقه کمک نمودند . ما به وجود چنین خطری اشاره نمودیم ، لیکن این مسئله مورد توجه قرار نگرفت . رژیم جمهوری اسلامی هیچگونه حقوق دیکراتیکی را قبول ندارد و مرتباً حقوق بشر را پایمال می‌کند ، چیزی که ما بعنوان اپوزیسیون شدیداً محکوم می‌نمائیم . اما اعمال نیروی دریائی آمریکا ، که ظاهراً برای دفاع از حقوق بین المللی صورت می‌گیرد ، در حقیقت کوششی در خدمت تامین منافع امپریالیسم آمریکا بوده و بیه تمامیت ارضی میهن ما ایران لطمه می‌زند . این جنایت نباید تنها به این خاطر که در ایران حکومتی سرکوبگر حاکم است بحساب جمهوری اسلامی گذاشته شود . بلکه مقصر واقعی تنها و تنها دولت ریگان است .

افکار عمومی جهان تنها نباید باین قناعت نماید که این عمل را محکوم کند ، بلکه باید با پشتیبانی از خواست های اپوزیسیون ایران مبنی بر :

خروج تمام نیروهای خارجی از خلیج فارس
قطع صدور اسلحه و تجهیزات نظامی به هر دو کشور در حال جنگ عراق و ایران
بخاطر برقراری صلح مابین عراق و ایران کمک نماید .

از سوی هیئت اجراییه سازمان سوسیالیست های ایران
دکتر منصور بیات زاده

اطلاعیه

درباره کشتار ۲۹۰ سرنشین ابرباس و پیامدهای آن

هیچکس باور نکرد که این واقعه يك «تصادف» بود، چه رسد به آنکه آنرا «تصادفی قابل درك» بدانند! اگرچه سردهسته امیربالیستهای آمریکائی کوشید با استفاده از عبارات «تصادف» یا «تصادفی قابل درك» واقعه را تشریح کند.

۲۹۰ غیرنظامی که اکثراً خوبشاوند کارگران ایرانی مقیم دویس بودند، بر فراز آسمان تگه هرمر تگه تگه شدند و احادشان بر پهله آبهای خلیج برتاب گشت. امیربالیستهای حمایتکار آمریکائی در نوحه این کوره آدمسوری هوائی چه توضیحی دادند؟

سیستمهای احسن AEGIS در رزمناو آمریکائی «ونسن» USS VINCENNES که هر کدام آن ۳۵۰ میلیون دلار قیمت دارد و «یکی از پیشرفته ترین سیستمهای نسلحاتی است که تا بحال طراحی شده...» و در واقع «ترکسی از سیستمهای رادپوشی، کامپیوتری، ردیابی و برتاب موشك در يك استنگاه واحد نبرد بشمار میآید» از نخبهه ابرباس A-300B (يك هواپیمای شناخته شده در سطح بین المللی) که در مسیر عادی و همشگی خود از بندر عباس به دویس در پرواز بود عاجز ماند و آنرا تا حت جنگی اف ۱۰۰ «موضعی گرفت» [!]. برای اینکه صادقانه بپداشود که اس توضیحات را باور کند و واقعه را «تصادفی» و «قابل درك»

بداند، سخنکوبان امیربالیسیم امریکانا هجوم به رسانه ها هرگونه ابهامی را برطرف ساخته و مسئله را «کاملاً روشن» نمودند. در صوابن نخست حرایب چنین آمد: «سیستمهای احنای صد در حد مطمئن بطور غیر قابل توضیحی معیوب از آب درآمد». این «غیر قابل توضیح» بودن فقط يك معنا دارد: تنها مسئله «قابل درك» و «قابل توضیح» در مورد اس «تصادف» آنست که این امر تصادفی نبوده و هیچگونه نقصی که نیاز به توضیح داشته باشد در سیستمهای احنای صد در حد مطمئن «ونسن» بوجود نیامده بود. مقامات دولت آمریکا و پنتاگون، تقریباً همه اظهار نظرات اولیه خود را با کاملاً پس گرفتند و با بطور حدی حك و اصلاح نمودند. اطلاعات فنی غیر قابل انکار در صفحات اول حرایب هامدانه آنچنان کنار یکدیگر جیده بنده بودند که فقط يك موضع را اعلام کنند: اینکه عماشین جنگی آمریکا در خلیج بخوبی میدانست چه میکند و دقیقاً بر مبنای فرامین امیربالیستهای آمریکائی عمل نموده است. این حرکت هیچ چیز نبود مگر اعدامی حساب شده و حامدانه و با این انتظار که برای همگان «قابل درك» باشد.

این درست است که امیربالیسیم بطور کلی، و طمناً امیربالیسیم آمریکا، معیومی جز انحصار و امتاز بشرد منل و عارت و حشانه در حظه ملی و بین المللی ندارد، اما حاصه جنایت اخیر (کشتار ۲۹۰ غیرنظامی) امدام سنامه ای است که برده از جهره امیربالیسیم برمدارد. اس جنایت بطور کلی نشانگر حصلت شدیداً انحصاری اوضاع حاورمیان و خلیج است - حاشیکه بواسطه رقابت امیربالیستی دو بلوك نظامی حنك امروز عرب و شرق به نقطه ای بدل شده که حرفه حنك جهانگیر میان این گانگسترها میتواند به ناگهان از آنجا زده شود. دو بلوك امیربالیستی عرب و شرق جهت تحکیم و گسترش مواضع خود دیوانه وار تلاش میکنند و بر سر هزمونی جهانی با یکدیگر مسابقه میدهند. اما بطور احسن اس جنایت، سیاست «حمای و شیرینی» و ششلول کشی آمریکا و متحدان عربیش در تلاش بحد برای کس دوباره مواضع از دست رفته در ایران و تحکیم و تقویت جای باهاشان در برابر بلوك سوسیال امیربالیستی بسرکردگی اتحاد شوروی را سمایش میگذارد.

با کنار زدن پرده های ابهام و گرد و غباری که واشنگتن با استفاده از اصطلاحات حنك کامیونری پیا کرده، و گذشتن از عکس العمل تهران که بطرز شگفت آوری کنترول شده و ملایم بود، به تحولات اخیر در حنك هشت ساله ایران و عراق میپردازیم و از فوای محرکه واقعی در اوضاع کلی و عملیات رسوای حمایت از کشتیها در خلیج به دو نکته حریان میرویم: منطق جنایتکار امیربالیسیم و حصلت ضدانقلابی ملایان حلال جمهوری اسلامی که در این قبل عام، شریك حرم امیربالیستها هستند.

جمهوری اسلامی و احوندهای ارتحامی هرگز قادر نیستند خود را پشت شمارهای بوسیده و عوامعربانه صد «شطان بزرگ» پنهان نمایند. جنگی که با حمله عراق آغاز شده، اهرم فشار امیربالیسیم آمریکا جهت سمت تر کردن فلابه بدور کردن حکومت و حلوگیری از حرکت شوروی برای کس مواضع مهم در میانة نوفان برحاصه توسط امدات ایران بود. ملایان حاکم او همان ابتدا، از حنك جهت سرکوب حنن اسلامی بوده ها و ملت کردو تحکیم حاکمیت ارتحامی طبقه خویش سود جستند. از همان ابتدا کمکهای سی شائبه امیربالیستهای عرب و شرق بصی آخوندهای مرجع گشت تا نوع خوین دیکتاتور اسلامی طبقه خود را بر گردن مردم ساندارند و نیز از عهده مسائل سیاسی و مالی حنك خلیج برآیند. رژیم خمینی علیرغم تمام حارو حنحالهای واهی خود علیه آمریکا، بر سسیمی که شاه برپا کرده بود نکه رد، از نسامی کابالهای رژیم گذشته با امیربالیسیم سود برد و نظم ارتحامی کهن را نگهان شد و همجنس در طرحهای معاگرانه «شطان بزرگ» از آن جمله در طرح تجاوز ایالات متحده در آمریکای مرکزی که طی رسوائی ایران - کنسراگت بر ملا گشت، با کمال میل همکاری نمود.

هم سوسیال امیربالیستهای شوروی، هم امیربالیستهای آمریکائی از طریق شرکای عربی، چس و دیگر حرده وابستگان خود بطور حساب شده بر آتش جهمی که حنك ایران و عراق حوانده میشود و بیش از يك صلیون نفر در آن نابود گشته، و به تخریب دهها شهر و روسا انحصاردهنده، دمده اند و طرفس حنك را به لحاظ نسلحاتی و مالی نامس کرده اند. آمریکا از یکطرف به حمایت از امداعات جنگی عراق برحاصه و نسیهات دیپلماتیک علیه ایران را به پیش برده، و از طرف دیگر از طریق مذاکره و معاملات پنهانی بطور فروش اسلحه به رژیم خمینی سیاست دوربانه چماق و شیرینی را در صال ملایان کمیرادور حاکم اعمال کرده است.

تلاش واشنگتن این بوده که آخوندهای ارتجاعی و طبقه ارتجاعی منسوب به آنان را متقاعد کند که با عطف توجه به موقعیت منطقه ای که بر متن رقابت حاد امپریالیستی و تدارک دیوانه وار جنگ جهانی به یکی از مناطق اصلی استراتژیک دنیا است، بیش از این استخاره نکنند. آنها تلاش داشتند به آخوندهای فیهماوند که در چک و چانه زدن با آمریکا بر سر نامین بی کم و کسر منافع کمپرادوریشان نباید راه افراط رفته و در دستیابی به توافق استراتژیک کامل با آمریکا و بلوک جنگی ناتو، دمدمی مزاج باشند. بهر حال آخوندها علیرغم جنجال توخالی و گاه بگاه «ضد امپریالیستی»، ماهیت ضدانقلابی طبقاتی و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را بعد کافی بنمایش گذارده و تمایل و ترجیح حکومت به کسب مقام نوکری و کمپرادوری و تحت قیمومیت آمریکابودن را عیان ساخته بودند. به يك معنا امپریالیستهای آمریکائی با سگهایی زنجیری روبرو بودند که مهر وفاداری به غرب را بر پیشانی داشتند اما این سنوال که ملایان حاکم با چه سرعتی و با چه توانی میتوانند برای آمریکائیهها و متحدانشان دوبزنند هنوز پاسخ رضایت بخشی دریافت نکرده بود. رژیم خمینی مشکلات جدی و فزاینده سیاسی و اقتصادی خود را داشت (مشکلاتی که با ته کشیدن امکانات و تخریب ناشی از جنگ طولانی ایران و عراق مضاعف گشت)، در نتیجه تابمیت آشکار و تسلیم کامل یا رضایت بخشش به «شیطان بزرگ» کار چندان ساده ای نبود. البته آمریکا نیز خود مشکلات مهم و اولویت های مخصوص سر کرده بلوک جنگی را داشت - بلوکی که قرار است با شورویها در سطح جهانی به رویارویی مهلکی برخیزد تا بر حسب نتایجش معلوم شود کدامین گروه از برده داران بیشترین سهم از بردگان و منابع گیتی را در اختیار خواهد گرفت. بنابراین آمریکا با حرکت از این فرض که رژیم خمینی دارای گرایشات غربی و اعتبار کمپرادوری است، از ایران میخواهد که وضعیت خود را بر حسب نیازهای پیشروی بلوک جنگی آمریکا تنظیم کرده و بر این مبنا عمل نماید، والا غرب در گوشمالی دادن جمهوری اسلامی تردیدی بدل راه نخواهد داد (البته تا حدی که رژیم را به آغوش سوسیال یکدیگر را پاره میکنند براه و رسم همآغوشی هاشغانه و «ومادارانه» با «شیطان بزرگ» را بیاموزند.

امپریالیسم آمریکا هرگز ضربه ای که نوکر برگزیده اش (شاه) و رژیم پهلوی از مبارزه انقلابی و قهرمانانه مردم نوش جان کرد، نظم نومستمراتی را در سراسر منطقه بلرزه در آورد و پشتوانه عظیمی برای مبارزات انقلابی ستمدیدگان جهان ایجاد نمود را نه هضم کرد و نه توانست از آن چشم پوشی کند. اگر امپریالیستها در مقابل رژیم خمینی و دمدمی مزاجیهایش حوصله بخرج دادند، قسماً بواسطه طبیعت سیمانه و خونخوار و تعصبات ضدانقلابی آن بود. چرا که این رژیم کمره نابودی انقلاب و سرکوب مبارزات توده های تحت ستم بسته بود. اینکه امپریالیستهای آمریکائی غالباً آخوندها را «متمصب» میخوانند نه بخاطر شمارهای «ضد امپریالیستی» قلابی اسلامیشان، بلکه دقیقاً بواسطه تمصب ضدانقلابی و چهره طرفدار امپریالیسمی است که آنها با حمله به مبارزه انقلابی صدامپریالیستی و ضدثو دالی مردم از خود نشان داده اند.

بهر صورت مسئله مرکزی در سیاست ایالات متحده در خلیج را استفاده از تمام طرق و ابزار امپریالیستی برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی بقصد جذب بیشتر و قرار دادنش تحت کنترل مستقیم و مطمئن آمریکا و حیران خسارات استراتژیک ناشی از سقوط شاه تشکیل میداده است. موفقیت نیروی زمینی خمینی در مقابله با تهاجم عراق و پیشروی قابل ملاحظه در خاک آن کشور، دست امپریالیستها، برای آمریکا هیچ چیز مطلوبتر از سرکوب جنبش انقلابی نبود اما آمریکا و شرکای غربیش نه پیروزی تعیین کننده ایران را میتوانستند قبول کنند و نه تلاشی رژیم بی ثبات عراق را. چرا که چنین امری صرفاً باعث تعمیق شکافها و بروز خیزشهای انقلابی در آنکشور و کشورهای وابسته به غرب در منطقه میشد و احتمالاً در منطقه ای که همگان بدان چشم طمع دوخته اند، منفذی بروی سوسیال امپریالیستهای روسی میگشود. و این در شرایطی بود که رژیم عراق بعزت وجود جنبش قدرتمند در کردستان در موقعیت سختی قرار داشت.

موقعیت منطقه بواسطه مانورها و اقدامات بلوکهای امپریالیستی رقیب که بدنبال سود جشن از اوضاع بودند، برمخاطره تر گشت و ایران و عراق را بیش از پیش بدرون بحرانیهای عذاب آور هل داد. منطق رقابت امپریالیستی مداوماً قدرتهای بزرگ را مجبور نمود که جهت ممانعت از کسب دستاوردهای استراتژیک از جانب رقیب، به فمارهای خطرناکتر و جنایتبارتر دست یازند.

بر متن چنین اوضاعی بود که ایالات متحده و متحدانش در ناتو تصمیم گرفتند «وزنه را بطرف عراق سنگینتر کنند» تا از عواقب ناخوشایندی همچون پیروزی محتمل نظامی ایران بر عراق جلوگیری نمایند و بر رژیم خمینی اعمال فشار کنند. هرچند این عراق بود که جنگ نفتکشها را با هدف کسب حمایت فعال امپریالیستهای غربی و رژیمهای نوکرشان در منطقه آغاز کرد و تابحال اکثر نانکرها توسط عراق هدف قرار گرفته، اما ایالات متحده و متحدانش تحت پوشش و توجیه امنیت تردد نفتکشها سریعاً نیروی دریائی عظیمی را در خلیج مستقر ساختند. بعلاوه شوروی هم در صحنه حضور داشت و کوشید تحت پوشش حمایت از نانکرهای کویتی، نیروی دریائی خود را در خلیج مستقر نماید. این حرکت رقیب برای آمریکا و شرکاء غیر قابل تحمل بود. متعاقب این وقایع، رقابت فزاینده دو بلوک باعث شد که بزرگترین و مخربترین قدرت آتش دریائی در فضائی کوچک تجمع باید؛ این تجمع از زمان جنگ دوم تا بحال بیسابقه است.

تشنجی که سرعت حدت میبافت و امکان يك چرخش استراتژیک بنفع یا ضرر بلوک جنگی غرب، نتیجه ای جر هل دادن آمریکا و شرکاء بسوی اقداماتی قمارگونه و بس برمخاطره، و در مجموع حساستر و خطرناکتر ساختن اوضاع نداشت. امپریالیستهای آمریکائی تحت فشار و تاثیر این قوه محرکه و با سودجویی از حال نرار رژیم خمینی و خسارات عظیمی که از جنگ خلیج محتمل شده بود، بدنبال مباحثات فراوان درونی و با توجه به برملاشدن رسوائی ایران گیت تصمیم گرفتند آخوندها را در منگنه بگذارند. روز ۱۸ آوریل آمریکا به سکوهاي نفتی ایران حمله کرد و توجیهش این بود که ایران را بخاطر مین گذاری در خلیج و برخورد ناو

آمریکائی (ساموئل بی. رابرتز) به مین تنبیه میکند. این حمله کاملاً همزمان بود با عملیات تعرضی ارتش عراق و باز پس گرفتن شبه جزیره استراتژیک «فاو» توسط قوای این کشور. این عملیات بخشی از یک سلسله عملیات بود که برای عقب راندن قوای ایران به آنسوی مرز طراحی گشته بود. امپریالیستهای آمریکائی و بلوک غرب که بهنگام استفاده رژیم نوکر شوروی (ویستام) از سلاحهای شیمیائی در کامبوج نمره ها کشیده بودند، اینکه در برابر قتل عام هزاران نفر در کردستان توسط گازهای سمی نهبه شده توسط منابع امپریالیستی غرب، بوضوح سکوت اختیار کردند.

امپریالیستهای آمریکائی - انگار که قصد تائید آشکار این عمل را داشتند - به سوگلی خود و دست پرورده «صندوق بین المللی پول» یعنی تورگوت اوزل نخست وزیر ترکیه دستور دادند که سربرنگاه به بغداد سفر کند و پرچم ارتش ترکیه (جناح جنوبی فرماندهی ناتو و دومین ارتش بزرگ ناتو بعد از آمریکا) را در حمایت از تلاشهای هماهنگ آمریکا در منطقه بنمایش در آورد. در همین دوره مطبوعات غربی به تبلیغ خدمات مزدور منشانه «ارتش آزادیبخش ملی» مجاهدین طرفدار امپریالیسم پرداختند. ارتش «آزادیبخش» قلابی مجاهدین کاملاً به رژیم عراق اتکاء دارد و بعنوان بخشی از ارتش اینکشور در جنگ با ایران عمل میکند. کار مطبوعات غربی نه تنها «تصادفی» نبود بلکه کاملاً «قابل درک» بود!

علاوه بر همه اینها، آمریکا رزمناوهای جدیدی به خلیج فرستاد، پنتاگون بکری «قوانین نوین مداخله» برای نیروی دریائی ایالات متحده و در مورد همکاری قوای آمریکائی و اروپائی اعلام نمود، و هماهنگی بسیار نزدیکی را با نیروی دریائی فرانسه که بدلیل وظیفه شناسی همیشگی در اینمورد بحسین گشته، بوجود آورد. همراه با این اقدامات احتیاطی، نیروی دریائی آمریکا نمایش نظامی را در سطح بالاتری عرضه کرد و با حمله به قوای دریائی ایران که عمدتاً از کشتیهای کوچک تشکیل شده، نیسی را نابود کرد. کاربرد «قوانین نوین مداخله» این است که آمریکا میتواند هر فرصت مناسب یا هر اصطکاک را «تهدیدی بعد کافی جدی» نسبت به ماموریتش قلمداد کند. ماموریت آمریکا هم روشن است؛ همانچیزی که ریگان نامش را «حفاظت از صلح در خلیج» نهاده است!

زمان موعود فرارسیده بود و رژیم ارتجاعی باید تصمیم میگرفت. شیرینی هنوز در کار است اما زمانه، چماق را در این لحظات در دستور کار قرار داده بود و رژیم خمینی آنقدر سیلی میخورد تا حرکاتی بعد کافی رضایت بخش برای آمریکائیه انجام دهد.

امپریالیستها از نزدیک دعوای قدرت درون صفوف ملایان کمپرادور را زیر نظر داشته و به چراغ سبزه های بخش بسیار مهمی از آخوندها، یعنی بااصطلاح جناح «پراگماتیست معتدل» که حول رهبری رفسنجانی تشکیل شده بذل توجه نموده اند. این جناح به امپریالیستها چشمک زده و تمایلات قلبی خود برای دستیابی به یک راه محتاطانه و راه حلی سیاسی برای جنگ ایران و عراق، و ایجاد تفاهم کمپرادوری با ایالات متحده را بنمایش گذاشته است. آمریکا میداند که بحرانهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رژیم بواسطه جنگ شدت یافته و جناح رفسنجانی از مشکلات فزاینده ای که در راه جلب پشتیبان برای جنگ ایران و عراق، و ایجاد که برای پیشبرد منافع ایضاً ارتجاعی خویش ژست «رادیکال» ادامه جنگ را میگیرند سود میجوید. اگرچه انتخابات اخیر مجلس مسئله دعوای قدرت را بنفع جناح به اصطلاح «معتدل» حل نکرد، اما رفسنجانی فرمانده کل قوا شد و بدین ترتیب از آتوریت بیشتری بهره مند گشته و ارتش و سپاه را تحت فرماندهی واحد خود گرفته است. وی حتی موفق شده، فرمانده سپاه پاسداران را وادار به انتقاد از خود علنی در مورد شکستهای پی در پی اخیر در جبهه ها نماید. تلاشهای دارودسته رفسنجانی به برقراری مجدد روابط دیپلماتیک با فرانسه در دوره انتخابات فرانسه منجر شد و در همین زمینه مناسبات نوبنی با کاناا و انگلستان نیز برقرار گردید. حتی بگفته شولتز وزیر امور خارجه آمریکا، ایران خواهان بازگشودن باب مذاکره با واشنگتن است. اما همه اینها میباید به آزمون گذاشته میشد تا بالاخص بعد از رسوائی ایران گیت روشن شود که آیا ملایان به وعده های خود وفا میکنند و آیا توان عملی ساختن قول و قرارهایشان را دارند یا نه. آمریکا نمیخواست ملاحظات استراتژیکش بواسطه دعوای درون حکومت ایران از نظر دور بماند.

حداقل میتوان گفت که نکات فوق در محاسبات آمریکا بهنگام ساقط کردن هواپیما میگنجد. ۲۹۰ نفر با منطق یک گانگستر، با خونسردی، قتل عام شدند تا برای نوکرانی که به استخاره مشغولند نیز مختصات تفاهم روشنتر شود.

هنری کیسنجر، این منحصص و سخنگوی بورژوازی امپریالیستی آمریکا که به صراحت لهجه گانگسترمآبانه شهره است، پیام طعنه خود را با وضوح بیشتری اعلام کرد: «ایالات متحده به اهداف اساسی خود در خلیج دست یافته است. اکنون دیگر تصمیم گیری با ایران است. آیا حاضر است با واقعیت روبرو شده و بر پایه منافع ملی عمل کند؟ یا اینکه اساساً اهداف انقلابش را دنبال خواهد کرد؟ اگر راه اول را برگزیند، میباید در وجود آمریکا یک شریک باانصاف و بلندطبع را بیابد. و اگر راه دوم را انتخاب کند، ایالات متحده جاره ای جز حرکت بر خط قلبی خود نخواهد داشت و میباید از منافع حیاتی خود و دوستانش حمایت کند.»

اگر آن چهار کلمه (یعنی «اساساً انقلابی») و «منافع ملی» را که صرفاً با مقاصد عوامفریبانه مطرح شده کنار بگذاریم، به لب کلام این قصاص کهنه کار که چهره نیسی بگیر محله بحود گرفته میرسیم. او سیاست طعنه اش را برای خمینی بازگو میکند و میگوید اگر رژیم خمینی کماکان خواهان برخوردار شدن از تمام مزایای شراکت با ایالات متحده است باید بر مبنای این سیاست عمل کند.

عکس العمل ملایان ضدانقلابی نه کشتار آنقدر ملایم و کنترل شده بود که حتی مطبوعات امپریالیستی نیز خود را ملزم به تحسین آخوندهای حاکم دیدند و از «هشیاری و متانت بینظیر» آنان تمجید کردند. این نشریات نوشتند: «چه کسی میتواند انتظار چنین پاسخ نرمی را در مقابل ۲۹۰ غیرنظامی داشته باشد؟» رفسنجانی تنها چند ساعت قبل از قتل عام خونین طی سخنرانی پیرامون

«سیاست خارجی نوین» جمهوری اسلامی چنین گفته بود: «یکی از اشتباهات ما آن بوده که در جو انقلابی مرتباً برای خود دشمن تراشیدیم. ما آنهایی را که میتوانستیم خنثی نگهداریم، دشمن کردیم و هیچکاری برای جلب آنها که میتوانستند دوست ما باشند نکردیم.» اینکه نایب فرمانده کل قوا چه نوع دوستی نوینی را مدنظر دارد، کاملاً روشن است. پس از آنکه ایالات متحده با انباشتن آبهای خلیج از اجساد ۲۹۰ سرنشین هواپیمای غیرنظامی، بقول مطبوعات امپریالیستی «امتحان سخت» را مطرح نمود، رفسنجانی و همپالگانش علائق مینی بر تمایل به شرکت در این آزمون و موفقیت در آن از خود بروز دادند. رفسنجانی اعلام کرد که «آدم های عاقل میفهمند که چرا ما نباید انتقام بگیریم.» منظور وی از «آدمهای عاقل» کاملاً روشن است: جانبان امپریالیستی از قماش کیسینجر و اعضاء طیفه اش. تا آنجا که بخود امام مربوط است، او نیز امتحان را با نمره عالی پشت سر گذاشت. خمینی بلافاصله بعد از فراخوان منتظری مینی بر انتقام، وی را سرزنش نمود و خبط کرد. خمینی گفت بهتر است آقای منتظری «از طریق حمایت از آقای رفسنجانی به تلیخ زهد و تقوا بپردازند.» بدین ترتیب خمینی برای ثبت در تاریخ، نکاتی را به جانشینش تصریح کرد تا در مورد معرفت کمپرادوری و دنیوی وی جای هیچ شک و شبهه ای باقی نماند. تمام اینها نشانه آنست که آنچه صبح روز یکشنبه ۱۳ تیر ماه ۱۳۶۷ بر فراز آسمان تنگه هرمز رخ داد نه یک تصادف، بلکه یک قتل عام سیمانه بود تا بدینسانش ایران و آمریکا برای ترسیم مسیر شراکت نوین خود به مذاکره نشینند. حتی همین جنایت هم کفایت تا هر دو اینها توسط قهر انقلابی راستین پرولترها و ستمدیدگان جهان محکوم به پاک شدن از صحنه روزگار گردند. این تنها راه حل در مقابل جنایات امپریالیستها و نوکران دستیار آنهاست؛ این تنها راه حل در مقابل سیمانه ترین جنایت تاریخ بشر یعنی جنگ جهانی سوم است. و دورنمای چنین راه حل انقلابی سربما نزدیک و نزدیکتر میشود. کار کرد سیستم امپریالیستی، خود یکی از فاکتورهای تسریع کننده این امر است.

آتش زهر خاکستر تنفر توده ای نسبت به رژیم منغور جمهوری اسلامی میروند تا سر بلند کند. اعتراض و مقاومت آشکار در همه جا پیشم میخورد و گسترش مییابد. وقتی موشکهای عراق شهرهای ایران را میکوبید، توده های خشمگین با شعار «مرگ بر جنگ!» «مرگ بر خمینی!» به تظاهرات می پرداختند و ملایان خوب میدانند که معنای آن چیست! این شخص رفسنجانی بود که هراسان از مقاومت زنان پشت میکروفن رفت و علیه شان زوزه کشید که: «ما میدانیم شما دارید از وضع خراب دولت سوء استفاده میکنید و ضد قوانین اسلامی عمل میکنید.» سنگرهایی که ملاها در خیابان ساخته اند نشانه بی اعتمادی عمیق آنان نسبت به آینده است. ضعف رژیم و شکافهای درون طبقه حاکمه را نه فقط ستمدیدگانی که در اشتیاق روزهای ۱۳۵۷ بسر میبرند تا کار نیمه تمام را در اولین فرصت به اتمام رسانند احساس میکنند، بلکه امپریالیستها نیز موضوع را فهمیده و بشدت نگران ثبات درونی شرکای کمپرادور آتی خویشند - حتی پس از آنکه شالوده این شراکت ریخته شده است. آخوندها شدیداً نگران خشم انقلابی در مناطق روستائی هستند. مناطقی که توسط جمهوری اسلامی به ویرانی کشانده شده است. وعده های عوامفریبانه ملایان در مورد رفوم ارضی نه بیان نیاتی خیرخواهانه، که نشانه هراس حکومتیان است. تلاش اینان در خلاصی از این خشم انقلابی، تلاشی بیهرده است. میلیونها دهقان فقیر و بی زمین ارتش سهمگین بالقوه ای را تشکیل میدهند که قادر است دژهای ملایان را در دستان خویش بفشارد. امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستها برای ایران نقشه ها دارند، اما پرولترها انقلابی در ایران نیز طرح خود را دارند. اتحادیه کمونیستهای ایران (سریداران) فعالانه در تلاش است تا تمام جنگاوران انقلابی پرولترا را در پیشاپیش توده های ستمدیده برای پیشبرد جنگ خلق بر مسیری که مائوتسه دون ترسیم کرده، متحد کند. اینطور بنظر میرسد که پیش از آنکه جنگ انقلابی گلوی خمینی را بفشرد، دست طبیعت بر حیات ننگین او نقطه پایان خواهد گذارد! ممدالك شانس اینکه عدالت انقلابی گریبان رفسنجانی و همپالگانش را بگیرد، یا اینکه اینان خود را به عرشه رزمناو «ونس» برسانند تا به سرنوشت شاه دچار گردند، بسیار است.

اتحادیه کمونیستهای ایران (سریداران)
تیر ماه ۱۳۶۷

این جنایت بی پاسخ نخواهد ماند!

کشتاری تکان دهنده، جنایتی عظیم! روز یکشنبه ۱۳ تیر ماه بر صفحه رادار رزمناو آمریکایی «ونسن» نقطه ای ظاهر شد، فرمانده فرمانده فرما آتش را صادر کرد و لحظه ای بعد يك راکت مرگبار آن نقطه را از صفحه رادار پاک کرد و بر فراز خطرناکترین آبهای جهان به حیات ۸۶ انسان نقطه پایان نهاد. نیروی دریایی آمریکا از عهده یکی دیگر از مأموریت‌های جنایتکارانه اش موفق بدر آمد و غریب شادی و تحسین امپریالیست‌های یانکی، اروپائیها و دست نشاندگان منطقه ایشان را باعث گشت. ریگان و تاچر و سایرین همگی از «قابل درک بود تصمیم فرمانده رزمناو» و «موجه بودن شلیک به هدف هوایی با نیت نجات کشتی و افرادش» دم زدند و البته از ارسال پیامهای مشفق کننده و نفرت انگیز «تسلیت» به بازماندگان «سانحه» غافل نماندند. این پیامها نباید بی جواب بماند: باید پاسخی آتشین از دماغ تفنگ را تدارک دید!

این جنایتی عامدانه بود. آمریکا با اینکار میخواست یکبار دیگر به جهانیان و بالاخص به رقیب سوسیال امپریالیستش خاطر نشان سازد که اینجا يك منطقه جنگی است و صحنه گردان و قدرت منطقه نیز خود اوست. آمریکا با اینکار اعلام کرد که علیرغم حساسیت فوالماده اوضاع، حاضر است به هر اندازه که لازم باشد پای ريك برود. چه عامل مستقیم جنایت یعنی امپریالیسم آمریکا و چه دستیار و همکارانش یعنی تمام نیروهای حافظ و گرداننده این سیستم کثیف و خونبار. عمدی بودن این واقعه تکان دهنده را کتمان نکردند بوضوح اذعان داشتند که اوضاع جنگی است و نیروهای نظامی آمریکا این حق را دارند که حتی هواپیمای غیرنظامی را در حال پرواز فراز «آبهای خودی» هدف قرار دهند. جهنم برپا گشته بر آسمان خلیج حامل این پیام خونین از جانب حامیان نظام کهنه و گندیده امپریالیستی بود که به لحظه زدن جرقه جنگ تجدید تقسیم جهان نزدیک و نزدیکتر میشوند و اینان برای ارتکاب عظیمترین و بیسابقه ترین جنایات تاریخ بشری در خدمت منافع امپریالیستیشان کاملاً آماده اند جنایتی که سوزاندن، متلاشی نمودن و قربانی کردن ۸۶ انسان در مقابلش تنها حکم يك پيش پرده و مینیاتور را دارد. مطبوعات امپریالیستی نیز با روشن کردن جزئیات این واقعه دهشتناک اذعان این واقعه که پیشرفته ترین کشتی جنگی جهان امکان ندارد يك هواپیمای مسافربری را با يك جنگنده F-۱۴ عوضی بگیرد، پامپریالیستها را به سراسر جهان مخابره کردند.

این جنایتی عامدانه بود تا امپریالیسم آمریکا از طریقش بر پیشرویهای خود در ایران شتاب بخشیده و به سگهای خود در ایران حمله کند که وقت تنگ است و فرصت استخاره نیست! پس بهتر است آخوندها قولهایی که در مذاکرات قبلی یعنی بر آماده سازی مردم بر

علنی کردن و برقراری پیوندهای عمیقتر و آشکارتر با آمریکا داده بودند را سریعتر عملی سازند.

ستمدیدگان ایران بدرستی هیئت حاکمه اسلامی را در ارتکاب این جنایت، شريك جرم آمریکا میشناسند و علیرغم مبادله فحش و آتمیان رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم یانکی، هر دو را در این فاجعه یکجا قرار میدهند. نیات پلید رژیم خمینی بر ملاست: رژیم زیر فشار بحران و تناقضات درونی و تکوین اعتراضات قهرآمیز توده ای در تنگنا و استیصال فوق العاده بسر میبرد با تمام قوا میکورتا از این واقعه جنایتبار برای گسترش کانالهای ارتباطی خود با امپریالیسم آمریکا و دیگر دول بلوک غرب بیشترین استفاده را بکسبجهت نیست که در فردای این جنایت عظیم و در بحبوحه بحث و اظهار نظر حول آن، رفسنجانی جانی اعلام میدارد که «شاید هم عمده نبوده است» و سران جمهوری اسلامی بلافاصله پیشنهاد تشکیل جلسه شورای امنیت را میدهند. کمپرادورهای اسلامی در پی آنند اینبار تحت عنوان جلسه شورای امنیت، گرفتن غرامت و یا خسارت و... از این فرصت قربانی شدن ۲۸۶ انسان - سود جویند و از واقعه جهت تامین مطامع نوکرمفتان خود و گشودن باب مراودات و نزدیکیهای عمیقتر و گسترده تر با امپریالیسم آمریکا، بحددا استفاده کنند. اما تصویر آینده در چشم کمپرادورهای اسلامی شدت تیره و تار است.

جمهوری اسلامی در بدترین دوره حیات ننگینش بسر میبرد. خمینی و رفسنجانی و دیگر جریانات درون حاکمیت پوسیده اسل آنچنان مستاصلند که علیرغم پشتیبانی و کمکهای بیشمار قدرتهای امپریالیستی، در مواجهه با فضای پر مخاطره جامعه به هراس آن و به سنگر کردن و رویهم چیدن کیسه های شن در برابر مقرهای فرماندهیشان مشغولند. در شرایط تعمیق بحران و رشد تضادها، ر حکومتی سایه یکدیگر را با تیر میزنند و مردم آگاه نیز مشتاقانه و تشنه انتقام بدنبال پرچمی انقلابی میگردند که بزیر آن متشکل و کل بساط ستم و استثمار امپریالیستی و نمایندگان بومیش را به قعر گورهای حاضر و آماده روان سازند.

سراسر چند ماهه گذشته مملو از وقایع جنایتبار و فجایع تکان دهنده در منطقه بوده است: جنایات اعمال شده علیه مردم کردستان سازماندهی و اجرای طرحهای حمله گرانه محاصره و سرکوب نیروهای ملی و انقلابی کرد که بقصد مهار فاکتورهای «مزاخام» و «وپا گیر» صورت میگیرد، تاخت و تاز قوای دریایی آمریکا در آبهای خلیج و هدف قرار دادن سکوهای نفتی ایران، هدف قرار هواپیمای مسافربری و... این وقایع نه تصادفی است و نه استثناء. اینها همه عملکردهای منطقی سیستم امپریالیستی در اوضاع جهان در دوره تدارک جنگ جهانگیر امپریالیستی است. آنچه غیرمنطقی است و با معیارهای بشری خوانائی ندارد، موجودیت خود نظام سبمانه است. فقط ساده لوحان این جنایات را حمل بر تصادف میکنند تا مگر خواب زمستانیشان بهم نخورد.

اما این اقدامات جنایتکارانه که قرار است پیام شوم قدرتهای امپریالیستی مبنی بر «قدر قدرتی» و «حاکم مطلق بودن» آنها در منب بگوش جهانیان برساند، همزمان نشانگر حقیقتی بنیادین در پیشگاه توده های تحت ستم و استثمار منطقه و جهان نیز گشته اس

حقیقت که امپریالیستها و مترجمین در بحرانی عمیق گرفتار آمده و بواسطه همین تناقضات و تضادهای لاینحل است که بناگزیر به این قبیل جنایات نفرت انگیز بر مسیر برپائی جنایتی عظیم دست می یازند. جنایات اخیر در خلیج منجمله کشتار عمدی ۲۸۶ سرنشین هواپیمای مسافربری ایران - گواهی دیگر بر ضعف بنیادین سیستم و شرایط مساعدی است که برای سرنگون کردن نیروهای امپریالیستی غرب و شرق برکردگی آمریکا و شوروی، و نوکران مرتجعشان (نظیر هیئت حاکمه ایران) وجود دارد. مسلح بودن به علم مارکسیسم لنینیسم ساندیشه مائوتسه دون این حقیقت را بر ما آشکار میسازد و پرده از این «راز» برمیدارد که چگونه امپریالیسم در اوج بحران و برای نجات خویش از این گرداب، نیازمند برپائی جنگ تجدید تقسیم جهان است. گنبدیگی و سمیت امپریالیستی تنها زمانی اینچنین آشکار میگردد که ارباب چرکین و خونالود جامعه طبقاتی در لبه پرتگاه قرار گرفته باشد. اما نابودی این ماشین جهشی و پرتاب شدنش به قعر پرتگاه، بهیچوجه امری خودبخودی نیست. سرنگونی امپریالیسم، کار آگاهانه انسانها را طلب میکند، کار ارتشهای انقلابی پرولتاری را طلب میکند. این سیستم منطق و مبنای عملکرد خود را دارد، و نابود کردنش نیز از منطق و قوانین خاصی پیروی میکند که علم کمونیسم نام دارد. هر آنکس که خود را در سنگر سیستم دهشتبار حاکم بر جهان نمیابد باید بدین علم مسلح گردد و آماده پیوستن بصفوف ما جهت سازماندهی و پیشبرد طرح نابودی نظام امپریالیستی از طریق پیشبرد انقلاب دمکراتیک نوین در ایران بمتابه بخشی از پروسه تاریخی جهانی نابودی کل امپریالیسم و بنای جامعه نوین شود. بصفوف ما بپیوندید تا از ناتوانیهای جمهوری اسلامی و قدرتهای امپریالیستی و فرصتهای مساعدی که پیش رویمان قرار گرفته استفاده کنیم، جنگ انقلابی را هر چه سریعتر تدارک ببینیم و برپا داریم. بقول مائوتسه دون «برای از بین بردن اسلحه باید اسلحه بر کف گرفت». جنگ ما جنگی عادلانه است چرا که نابود کردن جنگهای ارتجاعی و ضدبشری را هدف خود قرار داده است. جنگ ما جنگی انقلابی است چرا که بخاطر نابودی جامعه طبقاتی و رهائی بشر از زنجیرهای سنگین و کهنه ستم و استثمار برپا میگردد. جنگ ما جنگی پیروزمند است چرا که از یگانه استراتژی انقلابی و علمی پیروزی بر دشمن یعنی استراتژی جنگ خلق - پیروی میکند. بصفوف ما بپیوندید تا موانع را از سر راه کنار زنیم و جاده آغاز و پیشروی جنگ خلق را هموار کنیم. نه فقط مبارزه، بلکه مهمتر از آن پیروزی نهائی ما در گرو دقت نظر و دید گسترده کمونیستی است. علم کمونیسم در کوره تلاش و تجارب انقلابی طبقه ما (طبقه کارگر جهانی) مرتباً تکامل یافته و به سلاح برآ و ضروری مارکسیسم لنینیسم ساندیشه مائوتسه دون تبدیل گشته است. با در دست گرفتن این سلاح بصفوف ارتش آگاه انقلاب بپیوندید. ترسیم و هموار ساختن مسیر طولانی انقلاب و کسب پیروزی نیازمند سربازان انقلابی است. همانگونه که لنین گفت دو راه حل بیشتر در مقابل ما قرار ندارد: پایان دهشتبار یا پایانی بر دهشت. ما راه حل دوم را عملی خواهیم کرد.

تیرماه ۱۳۶۷

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربازان)



مجلس شورای اسلامی ایران

مبارزه علیه جنگ ارتجاعی را گسترش دهیم

هموطنان عزیز خارج از کشور!
ایرانیان آزاد و مبارز!

رژیم جنگ افروز و ضد بشری جمهوری اسلامی که در چند سال اخیر با کوبیدن بر طبل جنگ و با فشاری بر ادا مه جنگ ارتجاعی ایران و عراق مردم کشور ما را به خاک سیاه نشاند است برای پوشاندن آثار مخرب این جنگ بر زندگی مردم همواره با تفاخر از پیروزی های نظامی در جبهه ها دم زده است، اینک با شکست مفتضحانه در "قا" و "و" شلمچه " درین بست جنگ زمینگیرتر شده است .

بن بست شدید جنگ و از دست رفتن اینکا رگرم نگه داشتن جبهه ها ، تردید در پیروزی بر عراق را در میان نیروهای خود رژیم وسعت بخشیده و درگیری های درونی حکومت که تا چندی پیش اساسا بر محور مسائل اقتصادی و چپاول خون بیغما می توده ها دور می زد بر محور جنگ و سیاست های جنگی متمرکز می شود . و جناح رقیب امروز بر روی ناتوانی و بی برنامگی جنگی جناح غالب انگشت می گذارد . جناح دولتی که با به میدان کشیدن خمینی و شعارهای عوام فریبانه مستضعف پناهی و طرد اسلام آمریکا می درانتخابات فرمایشی مواضع خود را تحکیم بخشیده است با مقابله رقیب حکومتی مواجه شده است که با علنی ساختن مخالفت خود با ادا مه جنگ به شیوه کنونی و بل گرفتن از شکستهای پی در پی ، تاکتیک بهره برداری از مساجد و خیابان را پیش گرفته و این تاکتیک به نوبه خود فرصت مفتنمی برای ابراز تنفر و انزجار از جنگ و سیاست های ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم بدست توده ها داده است .

لغوا هپیما می تجدید بیعت با خمینی ، سنگربندی در اطراف ساختمان های دولتی ، و تاکید خا منه ای بر استقرار امنیت داخلی در پیا می به مجلس سوم و اخبار مربوط به درگیری های خونین در شهرهای تبریز ، قم و شیراز و ادا مه نا آرامی و تظاهرات در تهران ، مشهد و امفهان همگی نشانه های از بحران فزاینده و رو به رشدی است که رژیم فقها امروزه با آن مواجه است .

ایرانیان آزاده و مبارز
نیروهای انقلابی خارج از کشور

رژیم جمهوری اسلامی امروز در بدترین شرایط حیات سنگین خود بسر می برد . ناتوانی رژیم در جبهه ها ، ناتوانی او در ادا مه بسیج بشیوه گذشته ، تشدید اختلافات داخلی که بخشا به درگیری های خیابانی کشیده شده است و کوشش های کودتا گونه جناح مسلط برای حفظ قدرت ، و از جمله آنها تصرف بست فرماندهی کل قوا توسط رفسنجانی و از همه مهمتر گسترش مبارزات ضد جنگ توده ها ، که در ماههای اخیر تکا نهی های تازه ای خورده است ، وظایف سنگینی بر دوش نیروهای انقلابی و دمکرات نهاد است . ما با یدیه موازات رشد مبارزه در ایران و برای هموئی با مبارزات ملح خواهان و ضد جنگ کارگران ، زحمتکشان و توده های دربند خلقمان به افشای هر چه بیشتر رژیم در خارج از کشور بپردازیم . فریادمانده در گلوی زحمتکشان را با بانگی هر چه رسا تر به گوش جهان نیا ن برسانیم . در شهرها و کشورهای محل سکونت خود با برپائی کمیته های ضد جنگ اقدامات افشاگرانه و ضد جنگ خویش را هما هنگ ساخته و سازمان دهیم و در عین حال برای برگزاری یک اعتراض سراسری با شرکت وسیع ترین بخش از نیروهای دمکرات و انقلابی خارج از کشور در سراسر تظاهرات سراسری و متمرکز کوشش خود را شتابی تازه ببخشیم!

مرگ بر جنگ ، زنده باد صلح ، زنده باد انقلاب
سرنگون باد جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته خارج از کشور

۱۹ خرداد ۱۳۶۷
۹ ژوئن ۱۹۸۸



کارگران و زحمتکشان، مردم رنج دیده ایران!

بالاخره جمهوری اسلامی آتش بی را پذیرفت، به این ترتیب اینک روزنه امید به پایان جنگ هشت ساله ایران و عراق گشوده شده است. در این لحظات حساس تمام مصیبت دیدگان این جنگ ارتجاعی و فاجعه بار، تمام آخا دخلقهای دو کشور، مسا به که مصیبتها و بدبختی های این جنگ را هشت سال تمام با گوشت و پوست و همه هستی خود لمس کرده اند، و شما مردم آگاه دنیا به یک سوال واحد می اندیشند: آیا این آتش بی نمی توانست سالها پیش پذیرفته شود؟ پاسخ این سوال روشن است. جمهوری اسلامی دست شش سال پیش می توانست این آتش بی را بپذیرد. اما فلقهای فتنه گرد رویای برپاشی یک امپراطوری فلقا هستی، به بهای جان بیش از یک میلیون انسان و ویرانی دو کشور، بنحوی جنایتکارانه سالها برادامه جنگ با فشاری کردند و اکنون تنها به این علت تن به آتش بی میدهد که در نتیجه شکستهای پیاپی چهار ماه گذشته زهرجهد به درماندگی کامل رانده شده و با چشم انداز همیان انقلابی بوده های مردم روبرو گشته است. حکومتی که برای تحکیم موقعیت خود می خواست هت و نیست مردم را تا آخرین نفر و تا آخرین خانه "به نا بودی بکشانند، اینک برای حفظ موجودیت خود در مقابل چشم انداز انقلاب مردم تن به آتش بی می سپارد و از خیر "دور انقلاب اسلامی" می گذرد. در چنین شرایطی که شکستهای جمهوری اسلامی مسا عدترین موقعیت را برای آغاز انقلاب مردم ایران فراهم آورده است، پیشروی مردم در جاده رهائی از جنگ، فلاکت، خود - کاشی و بهره کشی، بدون توجه به چند نکته ساده، اما بسیار حیاتی زیرنا ممکن است:

نخست اینکه، شکست جمهوری اسلامی در جنگ ایران و عراق شکست مردم ایران نیست، همانطور که پیروزیهای او در این جنگ، پیروزی ما نبود. در سالهای گذشته با راه دیده ایم که هر پیشروی جمهوری اسلامی در جبهه ها مساوی بوده با تشدید سرکوب و اختناق در داخل کشور. بنا بر این شکست رژیم در جبهه های جنگ ارتجاعی، فرورپاشی و سرکونی آنرا تسهیل و تسریع می کند. همه آتشی که خواهان رهائی از جنگال رژیم ولایت فلقه هستند، با بستن از هر نوع کمک به ادامه جنگ اجتناب کنند.

دوم اینکه، آتش بی فرورنا نه بمعنای پایان جنگ است و نه بمعنای دست یافتن به صلح. جمهوری اسلامی خواهد کوشید ضمن استفاده از آتش بی برای مطالبه با خیزش احتمالی بوده های مردم، برای ادامه جنگ ارتجاعی نیز تجدید قوا کند. فرامت طلبی مهم ترین زمینه را برای تجدید قوای رژیم فراهم می آورد. جمهوری اسلامی بسا شما و فرامت طلبی خواهد کوشید بهانه لازم را برای ادامه جنگ بدست آورد. از انزوای کنونی خود در هر چه بین - المللی خلاص شود، و در میان توده های مردم ایران برای ادامه جنگ طرفدارانی گرد آورد. از این رو هر نوع جانب داری از فرامت طلبی رژیم و هم نشی با آن، چیزی نیست جز جانتداری از ادامه جنگ که کمک به تجدید قوای رژیم ولایت فلقه و تضعیف نفرت انقلابی مردم از رژیم، همه آتشی که میخواهند از زنجیر سارت جمهوری اسلامی رهائی با بستن با شما و فرامت طلبی رژیم به مبارزه برخیزند.

سوم اینکه، با وجود جمهوری اسلامی مردم ما نخواهند توانست به صلح با بدارت با بند، بهر ائنه گران جمهوری اسلامی بنیان نمی کنند که زندانی شدن ولایت فلقه در یک کشور، مقدمه نا بودی آن است. بنا بر این هر صلح برای جمهوری اسلامی چیزی نیست جز یک صلح که زمینه ساز جنگهای دیگری است. جمهوری اسلامی حتی در شرایط صلح بخش عظیمی از امکانات کشور را صرف تقویت ماشین جنگی خود خواهد کرد. از این رو، تنها راه دست یافتن به یک صلح واقعی و با بدارت سرکونی جمهوری اسلامی است.

کارگران، زحمتکشان، جوانان، سربازان!

اکنون که شکستهای پیاپی رژیم جنایتکار ولایت فلقه زمینهای واقعی برای پایان جنگ فاجعه بار ایران و عراق فراهم آورده است، شما بدگذاشت جمهوری اسلامی با ما توره های خود این فرصت را از بین ببرید. اکنون بهترین فرصت مبارزه برای یک صلح دموکراتیک و عادلانه، یعنی صلحی بدون الحاق طلبی و فرامت خواهی و مبتنی بر حق تعیین سرنوشت خلقهای دو کشور، فراهم آمده است. برای دست یافتن به چنین صلحی باید با تمام توان و امکان علیه جمهوری اسلامی بنها خیزیم. شکستهای پیاپی جمهوری اسلامی نه تنها زمینه های واقعی برای پایان جنگ ایجاد کرده، بلکه مسا عدترین موقعیت برای آغاز انقلاب ایران را نیز فراهم آورده است. این فرصت را نباید از دست داد. به جمهوری اسلامی نباید مان داد.

مرگ بر جنگ! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!
 زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!



اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران درباره

آتش بس در جنگ ایران و عراق

سرانجام جمهوری اسلامی به شکست اهداف و سیاستهای جنگیاش تسلیم شد. یکسال پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، و پس از آنکه در این یکسال امکان داد و این بار رسماً عامل آن شد که در دورتنازه ای از جنگ زندگی توده های مردم در جهنمی از آتش، ویرانی و کشتار غرق شود. بالاخره جمهوری اسلامی قطعنامه شورای امنیت را برای پایان دادن به جنگ پذیرفت. روز ۲۷ شهریور در حالیکه دستگاه تبلیغاتی حکام اسلامی عریضه های مرسوم "جنگ، جنگ" را در گلوی خود خفه کرده بود یکباره اعلام شد که جمهوری اسلامی قطعنامه ۵۹۸ را بدون شرط پذیرفته است و آماده به اجرا در آمدن آتش بس در جنگ است.

این جنگ ۸ ساله بعنوان یکی از خونین ترین، طولانی ترین و آشکارا ضد بشری ترین جنگهای تاریخ معاصر به شیب رسیده است. ابعاد فجایع جنگی، وسعت کشتارهای جمعی و شدت ویرانیها در این جنگ زبان زد همگان است. نزدیک به ۱۰ میلیون نفر کشته، بیش از یک میلیون نفر دیگر معلول، حدود ۳ میلیون نفر آواره، اینها فقط ارقام مربوط به قربانیان مستقیم این جنگ ۸ ساله گوهی از درد و مشقت بردوش توده های مردم برجای گذاشته است. میلیونها خانواده که هر یک از دست دادن عزیز یا عزیزانی را به سوگ نشسته اند، سفره های خالی میلیونها کارگر و زحمتکش که خاکمان برای ادامه جنگ خود، آخرین وسایل هستی آنها را به پیمان بردند، چشمان میلیونها مادر و مادرانی که در غم هر روزه نبودن درمان و غذا و قلم و کتاب فرزند همه گناه رنج نشسته است، صدها و صدها هزار جوانانی که هر روز را با کاپوس مرگ و بیگاری زیسته اند، فقر و فلاکت عمومی، اردست دادن آخرین وسایل زندگی و تلاش خردکننده تا مین معاش که به هر خانواده کارگر و زحمتکش تحمیل شده است، این گساره های ممانعی که جنگ برجای گذاشته است، از ابعاد فجایع رسمی خود جنگ درمی گذرد...

هر کسی از خود می پرسد و اکنون باید از خود بپرسد که آن فجایع و این گساره ها مانده معایب چرا بر ما تحمیل شد؟ پاسخ برای ما کارگران ایران روشن است. رژیم اسلامی زندگی مردم در این کشور را قربانی کرد تا ارتجاع اسلامی را که مساکین حکومت بودیم بر زندگی سیاسی و اجتماعی دیگر مردم منطقه تحمیل کند. رژیم اسلامی زندگی مردم این کشور را درهم نشورد تا در رقابت با دیگر دولتها آنها را به قبول الگوی حکومت شوع اسلامی راضی کند. جمهوری اسلامی فرزندان مردم را به کشتارگاهها کشاند و گوهی از مشقت و معایب را بردوش مردم این کشور گذاشت تا بتواند رهبری ارتجاع ضد کارگری در کسب قدرت را بدست گیرد.

جمهوری اسلامی اکنون در این اهداف و سیاستهای ضد مردمی خود به شکست رسیده است. چهره ظاهرا قدر قدرت او کاملاً درهم شکسته است. ضعف او رسمیت یافته است و به شکست و درماندگی خود تسلیم شده است. جنگ جمهوری اسلامی با تسلیم شدن او به آتش بس پایان میگیرد. اما این پایان جنگ جمهوری اسلامی برای کارگران و مردم ستمزده ایران که داغ فجایع و بار معائب جنگ جمهوری اسلامی را کماکان بردوش دارند، پایان جنگ جمهوری اسلامی نیست. تنها آغاز مبارزه ای جدی تر، وسیع تر و قدرتمند برای باز پس گرفتن تاوان جنگ از این رژیم است. جمهوری اسلامی باید تاوان جنگ را و تاوان همه جنایتهای خود را به کارگران و مردم زحمتکش ایران بپردازد. حقوقی که به ما زنده مردم زیر بار جنگ با ما داده شود، کارگران و مردم زحمتکش و ستمزده باید با مطالبات خود در مبارزه ای وسیع تر و بزرگتر علیه جمهوری اسلامی قدم به میدان بگذارند. ما تردید نداریم و هیچکس نباید تردید کند که کارگران و مردم ستمزده ایران در این مبارزه خود میتوانند و باید ناقوس مرگ جمهوری اسلامی را به صدا در آورند. تمام ارکان جمهوری اسلامی را با قدرت خود درهم شکنند و همراه آن، سران و عاملان جمهوری اسلامی، تمام این جنایتکاران جنگی را که تا دیروز نعره "جنگ، جنگ" می دادند، برای کفر دیدن به دادگاههای انقلابی خود بفرستند.

کارگران، مردم ستمزده ایران!

برای باز پس گرفتن تاوان جنگ و تاوان همه ستمها و جنایتهای جمهوری اسلامی بها بخرید. مطالبات خود را علیه فقر و فلاکت و بی حقوقی با روشنی اعلام کنید و برای تغییر دادن این شرایط مشقت باری که بر زندگی تان تحمیل شده است، در مبارزه ای وسیع علیه جمهوری اسلامی به میدان آید. ضعف و فتور در صفوف دشمنان روزه رویتان تنها ما آشکار شده است. اینسرا خود سران جمهوری اسلامی با هزارویک زبان در برابر شما اعتراف میکنند، از ضعف و درماندگی امروز دشمنان تان برای تعظیم

نیروی خود و به گری نشاندن مطالباتان سوجدوشید. شرایط مبارزه‌ای گسترده تر آغاز شده است. با کمان اسلامی که ضعف و درماندگی آنان را به پذیرش آتش بس واداشته است، اکنون در صدند که مگر بتوانند آن حالت بسیج جنگی را که در کشور معمول کرده بودند پایدار نگه دارند و صفوف درهم ریخته و نیروی سرکوب آشفته خود را اینبار مستقیماً در برابر شمشیر بازسازی و احیاء کنند. جمهوری اسلامی نمیتواند و نباید اجازه‌یابد که چنین کاری را به انجام برساند. در اولین قدم برای درهم شکستن کامل بسیج جنگی جمهوری اسلامی قد علم کنید، وضعیت بسیج جنگی جمهوری اسلامی باید فوراً و بطور کامل درهم شکسته شود:

« تمام سربازان و تمام فرزندان مردم باید فوراً از جبهه‌های جنگ بازگردانده شوند، هیچکس نمیتواند در نهبانها پد مانع ترک پادگانها و مراکز نظامی گردد.

« سربازگیری و بسیج‌گیری باید کاملاً و فوراً متوقف شود و تمام قواشین و مقررات مربوطه لغو شود.

« واحدهای بسیج و آموزش نظامی در کارخانه‌ها، مدارس و دیگر محیط‌های کار و فعالیت اجتماعی باید فوراً منحل و برچیده شود. به تمام اشکال میلیتاریسم و حضور نظامیان و پاسداران در محیط‌های کار و فعالیت اجتماعی باید فوراً خاتمه داده شود.

« کارگزارانی که به صنایع و خدمات نظامی انتقال یافته‌اند باید فوراً به کار سابق خود بازگردانده شوند و ایستادن انتقالات تماماً متوقف شود.

« تمام کسانی که در اعتراض علیه جنگ و در سرپیچی از قواشین و مقررات دوره جنگ بازداشت شده‌اند باید فوراً آزاد شوند.

« تمام خسارات و آوارگی‌ها به مردم زحمتکش در این مبارزه‌ها بازگردانده شود. ایستادن ایران گردد و دولت کشور را امکان لازم برای آوارگان را همراه با پرداخت عرامت به آنان تامین کند.

« تمام کارگزارانی که در دوره جنگ و با بهانه‌های کمبود ارز و نظایر آن بیگانه شده‌اند، باید بلا درنگ به کار سابق خود بازگردانده شوند. تمام آوارگان و کارگران گدایان سرگردان به فریادها و اعتراضات کارگران سرنگنده، با بهره‌داری گردد.

مدای مبارزه جویی و اعتراض خود را را سا ترک کنید. شرایط مشقت‌باری که اکنون بر زندگی خودهای مردم حاکم است تنها با نیرو و قدرت خود کارگران و مردم زحمتکش به نفع آنان و کسب آزادی و رفاه دیگرگون خواهد شد. و این مبارزه جز با سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت کارگری و حاکم شدن واقعی مردم زحمتکش بر شرایط زندگی اجتماعی‌شان سرانجام پیروزمندی نخواهد یافت. در این راه شما را به مبارزه گسترده برای سرنگون ساختن جمهوری اسلامی فرامیخوانیم. مردم انقلابی کردستان!

جمهوری اسلامی تحت لوای جنگ، میلیتاریسم خود را در کردستان تشدید گرد تا بر مبارزه انقلابی شما علیه خود سرپوش بگذارد. جمهوری اسلامی یقیناً میکوشد که این میلیتاریسم را حفظ و تحکیم کند، فدای اعتراض و مبارزه انقلابی خود را ببلندتر کنید. صفوف خود را گرداگرد گومه‌له متحدتر و مستحکم‌تر بنمایید. کلیه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی باید فوراً از کردستان خارج شوند و به میلیتاریسم جمهوری اسلامی خاتمه داده شود. گسترش و اوج‌گیری مبارزات اعتراضی شما، مقاومت گسترده تر شما در برابر قواشین و مقررات جمهوری اسلامی هم‌دوش و همراه مبارزه نیروی مسلح و آگاه کارگران - پیشمرگان گومه‌له - به میلیتاریسم و اقتدار جمهوری اسلامی در کردستان تماماً پایان خواهد داد.

سرگرد - جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران - ۶۷/۲/۲۹

بازتکثیر از کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران

اطلاعیه

در باره نتایج

سمینار سراسری

سمینار سراسری نیروهای هوادار جنبش چپ ایران در روزهای ۲۱، یکشنبه ۲۲ و دوشنبه ۲۳ ماه می در شهر ماینس آلان غربی برگزار گردید. حرکت فعالانه نزدیک به ۲۵۰ نفر از افراد متفک و غیر متفک هوادار جنبش چپ ایران در سمینار و حرکت بیش از چهل سخنگو در پیشبرد مباحث سمینار نشان دهنده علاقمندی حرکت کنندگان به روشن شدن موانع گسترش فعالیت های مبارزاتی این نیروها علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم، در شرایط حساس سیاسی نیکه در آن بحری برهم بود.

سمینار نتوانست همه موانعی را که بر سر راه گسترش مبارزات وجود دارند روشن کرده و رهنمود های عملی مشخصی را برای از میان برداشتن آنها پیشنهاد نماید و البته از قبل هم این انتظار وجود نداشت که "تنها با برگزاری یک سمینار همه موانع و مشکلات غناخته شده و امکان رفع آنها به یکباره بدست آیند. روند بحث ها در سمینار به عینه نشان داد که پیرامون مسائل جنبش و مبارزات دموکراتیک ضد امپریالیستی خارج از کشور در کهای گوناگون و ابعاد های متفاوت وجود دارند.

در میان مباحث مطرح شده موضوع از درجه اهمیت بیشتری برخوردار بودند: اول - درک از اتحاد عملی و مضمون مبارزات دموکراتیک ضد امپریالیستی در خارج از کشور. دوم - اشکال سازماندهی چنین همکاری های متفک. سوم - مسئله شعوری و درک نیروها از نقش شعوری در مسائل جهانی.

یک دیدگاه که در سمینار مطرح شد و ما بر آن تاکید داریم، در ضمن آگاهی بر وجود موانع و مشکلات در پی همکاری متفک نیروها با یکدیگر، بر ضرورت چنین اتحاد عملی پافشاری نموده و زمینه های عینی آنها با توجه به اتحاد عملی چند ساله اخیر در خارج از کشور و شرایط خطیر سیاسی جامعه ایران موجود میدانست. به علاوه سمینار نتوانست تا حدودی به روشن شدن موانع و تفاوت های نظری موجود کمک کرده و با تاکید بر ضرورت ایجاد تبادل نظر مستمر بین نیروها، بین نیروهای متفک و غیر متفک، جهت دستیابی به مضمون و متفک فعالیت های مبارزاتی، و در همین حال تاکید بر دامن زدن به فعالیت های مبارزاتی با برنامه و کوشش های راهیابانه انگیزت بگذارد و در این رابطه پیشنهادات مختلفی را برای برداشتن قدم های بعدی ارائه کند. لازم به تاکید است که با وجود اختلاف نظر در مورد مسائل مختلف کلیه نیروها و عناصر حرکت کننده در سمینار هرگونه برخورد فرمیستی به امر سرنگونی رژیم را مردود دانسته و مبارزه بخاطر سرنگونی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را جدا از مبارزه برای انهدام کامل نظام حاکم بر ایران نمیدانستند.

برگزار کنندگان سمینار با توجه به روح حاکم بر پیشنهادات، پیشبرد نکات زیر را در چند ماه آینده در دستور

کار خویش قرار خواهند داد:

اطلاعییه

در باره نتایج

سمینار سراسری

- ۱ - سازماندهی فعالیتهای مبارزاتی در سطح شهری و در سطح مرکزی که علاوه بر انجام وظایف مبارزاتی نتایج تجربیهای بدست آمده به سمینار آینده ارائه گردند .
- ۲ - جهت ارائه یافتن مباحث / سمینار مرکزی دیگری در آینده برگزار خواهد شد .
- ۳ - برگزاری جلسات مرتب در سطح شهرهایی که نیروهای متفکک و غیر متفکک چپ بنوانند مباحث مربوط به سمینار و نیز مباحث نظری و سیاسی مطروحه در جنبش چپ ایران و جهان را مشترکاً به پیش ببرند / تا علاوه بر آموختن فرهنگی / سمینار آینده با نظرات دقیق یافته‌های برگزاری گردد .

سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان و برلین غربی - هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)
هواداران سازمان وحدت کومونیستی در اروپا
اتحادیه هواداران تئوری مبارزه صلحانه هم استرادی هم تاکتیک در خارج از کشور
سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان و برلین غربی - هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
هواداران چریکهای فدائی خلق ایران
هواداران سازمان م - ل تونس
سازمان دانشجویان ایرانی هوادار چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش‌های پهنر حلقهای ایران) - آلمان
۱۱ سپتن - هوادار چریکهای فدائی خلق ایران
ضمانت همه اقلیت * در آلمان و برلین

زارش سینه شیبان

در معده های دوم و سوم جولای در شهر شیبان سینه ری به دعوت زواران
کتابت مدارکات شیبان که صورت گرفت. (متن زواران و پاسخ سینه
ارسیا : این در بدین افسار و اعلی به چاپ رسیده است و در سینه و صورت
فردی بود و کشتی از غنایه و اولاد حیات نشین در مافوقها و سینه ها ز بود و این
مذکت دانسته (عنه از مذق و قرب جانها) :

گامون فرحتم شیبان که ، خانه ایران شیبان ، هاداران چینه و نه این سخن
ایران و ارتش و هائی بخش ، سینه و در کراشیب در بنیاد لیس ، سینه
دیو کراشیب دوز ، هاداران حزب کورس ، جبهه مسی سینه می می
حیاتار سپین (انگلی) ، نظم نوین و سینه کنعاس ، و سینه دانش جبین
ایران در ارسیا . (سلب هم اطلاع دینق از اسم کمال سینه و در کراشیب
دوز و همین بنیاد لیس از ایدار کمی : این اسم نام برده شده)

تعداد مذکت گفته گان سینه ۶۰ تا ۷۰ نفر بود و سخن اول کینه به
رأیه و سلب اول و ضمت جیب و وضمت ان در خارج از کشور
انتصاب دانت و در ایدار نیز مذکت گفته گان در سینه ازادی اول
همین توله مذکت کردند . به بافت و طردم در سینه تا با لردک های
کاملانند است مذکت گفته گان از وضمت جیب در خارج از کشور بود
در این بیان اگر چه اکثر مذکت گفته گان با اثاره به ضمت و بر اینه می
جیب لزوم اتحاد عمل و همکارایی سینه ک را در دنا کیه قرار میدادند ولی هر کدام
از مذکت جیب مناسب در خارج از کشور را اول مبحث بخصوصی اعلام می کردند
یک نظر مناسب و اتحاد عمل بزدهای جیب را عمدتاً سرب سینه و سینه می کردند

و کار در کراشیب به این نمی داد . و نظر دیگری در مقابل کار در کراشیب را اساس
حرکت میدانست و امکان نشکین یک سینه ان سینه می در کراشیب

هاتمه گفتند اسیدن) که محل آب سردی کارهای دیگر است از زمین ستم بخانه ها
 و ادارگان ابرانی ستم خب نسبت فرود است بنام می کند. نفس دیگر
 زدم نسبت در مرد نفس دیگر است در سبب استی بنظر انعکاس به مذات
 کارگران در حنک ن ابران را در خارج از کشور بود تا قیام قرار می داد. در خانه
 و زمینهای ابرانی شده و حقیقتی صورت گرفت و بنا به نظر اکتساب شدت گفته گان
 ارمی در مرحله نمی انسان نفس آب ساین بر آمدی انسان نیز بر شنبلی
 داده شد می در حسب نزدیکی مردم سینه شدت گفته گان دولت در حسب
 اتحاد و دوستی نظر مردم سینه در آمیزه سینه و سینه و نکات زیاده در دستور کار
 خود قرار داد .

۱- در حسب همین بود ارتباطات بین شدت گفته گان و انتقال نظرات
 سینه می گفت به یکدیگر از هر سینه به سینه آب نیز بفرود داد طبق سوله
 بر تپاری ارتباط را تعبیه گرفت

۲- سه زمین سوله سبب بود بود قدرت . در سینه سینه کار و انجام
 تدارکات لازم بفرود داد طبق به عمده گرفته

۳- در حسب دوستی نظری مردم سینه شدت گفته گان و بارزه ابه در نزد آب قدرت
 سینه در تپاری در سینه به ابزه . محل مباحث مذکور حتی الامکان در سینه
 نیز بزرگ (محل ترمیم بزرگ و خاصه سببی) بگزار کرد در صورت اشغال
 نشد سببی در سینه سببی بگزار خواهد کرد .

۴- داشت آب جزده بنظر بر فرود نظری بین شدت گفته گان محل مقولات
 ترقی (در حسب سبب و سینه ابزه سببی سببی ان)

۵ - اثبات ربیب جزوه از مباحث رزبم صدری اسلام، سینه جنب با
مذبح و تقصیر (اثبات از دانشی است که بعد از آنند)

۶ - در این گزارش مای از سینه جنب است. این سینه بعد از سینه اجرائی
و تدارکات گذاشته شد.

۷ - جزوه فزونی فارسی بمطابق اشغال اخبار جنبین در سلم ابراهیم خارج از کوزه
در صورتی که طلب این جزوه از مه دود جزو فراتر رود، اثبات این مطلب
دانش مذکرت که آن در سینه است

۸ - جزوه فزونی انگلیسی بمطابق اشغال اخبار جنبین در سلم فزونی سینه الهی
این جزوه نیز جنب است از مه دود جزو فراتر رود باید با موافقت مذکرت که آن
سینه است را باید

در زبانی جنب فزونی این گزارش از سینه جنب است و جنب مای ایینه آن :
اگرچه انجام تمام برنامه های آن سینه نیز دانش است باید در هر دو جنبی امکان پذیر
نباشد ولی با توجه به روح حاکم بر سینه و همچنین در جنب فراهم آمدن و جمع آوری
نمودی پراکنده و بمطابق بر فرد نقطه ای در سینه هر چه سینه می تواند تدریس
دو زبانی بر دارد. در سازمان اروپا با ترجمه ادبی که خود در آن دانشی
خود میزانه هستی از فزونی جنبین را به کار و در مورد آن اختصاص دهد
و جنبین با وجود دانشی که در دست است نفس در ترمی در ادبش بود

نمایند این جنب داشته باشد

شکل سینه است

۷۱ ۲۵۱ ۸۸

(جنبین که تدارکات از آن است و در سینه جنب است)
جنب این گزارش است

لجی چندین سال گذشته مسئله همکاری بین نبردها و انضاد جیب خارج کشور
همچنان مطرح بوده و نسبت دریم و سوم جولای ۸۸ در سمد شیکاگو نیز قلمی است
در این راستا.

تا یک منظر از برپای مبنی نشستی می نامید در نهایت منجر به بوجود آمدن
در می سازمانده می گردد. اصولاً تفاوت این دو کمیته ها در اینجاست که

میخواهند بدانند به سیر معانی، فواید آن تغییراتی میزبان باشند

از آنجا که آن تدبیر بر میآید. ولی لازم است (باید تغییر) میزبان باشند

شناختی که آن میآید. باید نظر کردن این منبع از تغییر است که مادر این مقاله کوتاه

مردید منتقد. انعام نموده این مسئله نوامیس برداشت.

در وایوتک ما سواد کتوف مبنی سیاسی خارج کشور و حضور

در آمریکا دو مسئله بوجود میآید است:

دست نسبی سنت به سالهای ۷۹ و ۸۵ در یک کتوف فعالیت کتوف. و مال

که در مقابل این سواد ما سواد روح ایرک نظم و طایف غیر سیاسی در خارج کشور

هستیم. ولی اصل از سواد مبنی به ما میآید؟ در یک دست تا بر میآید منتظر عمل در مورد

سواد کتوف راستی کنیم.

و در سینه سواد کتوف همانا دست نسبی در میآید و نقطه ما رسیده با آب

این دست نسبی است که ما را به شناختی که میآید ما منتظر غیر سیاسی

خارج کشور میآید. یا به سواد یک سیاستی که ما من مکتب نمود تا به ما

رسید. در مورد روح این مسئله تاکنون سفیاهای متقدم ما نیزهای منتظر

از قبیل "علل دست غیر سیاسی" [بدون تغییر مبنی داخل در جیب خارج!]

سازماندهی در خارج کشور و "وضع خارج کشور و به باور رسد" و نسبی..

از طرف نیرها و عبارات مختلف بردار کرده است.

سبب اول لغت در خارج کشور معنای مختلفه کلمتین شاید زانیه لغت
میباشد این است. سرهمی که با دفع سازمانه میماند. در دلائل قیام در خارج کشور
شکل لغت مرتب میسازند. طبعی نیز با این جور که گاه معانی سیاسی را بر
کن لغات مکتوبه و تملیحا مکتوبه. بالانیم تقاضای این تملیحا مامل کلمات
درستی میباشند و با اینحال بیانند لغت اصلی نیستند. به نظر ما تملی که
کنک لغت اصلی لغت نشی منبر سیاسی خارج کشور را در مسائل پیرامون
منبر در داخل کشور کنیم. میباشی که در داخل کشور این پدیده وجود
کرد.

به همین خاطر در قسمت اول مقاله سعی خواهیم کرد تا مکانیزمهای شکل گیری
دستور منبرهای دانشجویی را بررسی کنیم. و گویا منبر دانشجویی؟
معدنی از زمان مملکت است بررسی کنید. رفتی که همه آنها مشکلی. منبر
دانشجویی؟! کو دانشجوی؟! ماله دلیله دانشجوی نیستیم! این نکته واقفیت
است انکارناپذیر و گاه همین حال اکتفا همین فنانی گذشته و لغت منبر
خارج کشور معنای لغت است در بیست لغات آغاز مکتوبه. سیاسی
منبر دانشجویی آغاز گفته و ادامه یافته است. در این روستا که برای شناخت
شکل لغت معنای سیاسی شناخت از منبر دانشجویی است. سیاسی مکانیزمهای
وجود لغت در مکتوبه و در لغت تغییر و تحولات در این پدیده کرد.

تحلیلی بر منبرهای دانشجویی.

تاریخ منبرهای دانشجویی از تاریخ پیدایش اولی در خودار است. بطور مثال
لغت در کتاب "دلمان انقلاب و فرهنگ" که در دهه های دانشجویی که سیر
نمودن مسلع و آماده تیر که دارد در انقلاب ۱۸۴۸ هجری قمری است

راشکلی داده است. و با نیا به نوشته ملیم برکات [HALIM BARAKAT] اولین مجله تاریخ معاصر ایران در سال ۱۸۱۷ در دلسا یافت. و با تاریخ
از نشر نال مجله‌ها و دانشی بین سالهای ۱۸۵۰ و ۱۹۲۰ در ترکیه
مانند...

مانند سنا سنا، همزمان با نیاز سندی مجله‌ها و دانشی سالهای ۱۸۶۰
قدیم بسیاری از این سنی به این ^{کتاب} نشان دادند. اگر سنی این تحقیقها
در پانزده بود که سنی اصلی بود آمدن مجله‌ها و دانشی را در سنی گفت.
کتاب این نظرات را شاید بتوان به سه ^{دسته} کلی تقسیم نمود:

۱- نظریه دورریزی - طبق نظرات این دسته مجله‌ها و دانشی با نام
کتاب سنی ^{ساز} و سنی که همسر دانشی است بود و باید. نظریه دوران
نویس و سنی روی زبان. طبق این نظریه عدلی از این سنی و سنی دانشی
استفاده کرده. در آن داخل شده و در آن نام سنی نهاد نویس رد سنی میکند.

طیورمال رئیس دانشگاه سنی ^{ساز} (CHARLES MALIK)
نویس: "کتاب سنی از مجله‌ها و دانشی از دانشگاه که هیچ از اینها ما دانشی
نارند. در آن داخل شده و سنی سنی کلید. اینها از سنی دانشی به
نام سنی خود استفاده کلید." و با نویس خود "کتاب سنی سنی"
نویس:

"سنت به سنی سنی دانشی این است که به نام سنی جمع سنیها و دانشی
در ذهنیت دانشی از سنی طرف و نیاز به آن از طرف سنی است
می‌شود تا دانشی دست سنی سنی است اعتدالی نظیر نظرات
و سنی سنی."

طیورمال به این دسته منتقدند که سنی سنی دانشی به در

سیستم‌های اجتهادی و اقتصادها جامعه، اغلب بی‌توجه به نام‌رئیسیت
سنی دانشجویان و نفوذ عناصر مخرب از طرفت‌دیده می‌باشد.

۲- نظرات لیبرال‌ها - این عده می‌گویند بالذات سیستم‌های اقتصادها
اجتهادی جامعه نامستند بود در مدل‌های دانشجویی می‌شوند. لکن با یک
سری رژیم‌های سنی می‌توان از نه‌ملی‌دی‌ان بگذریک کرد. این عده
معتقدند که یک جامعه باید در برابر رواج سواد وجود در مدل‌های
دانشجویی موجود نیست. و از این روست که فواید خاصی همانند زوراک
(ZURAK) در کتاب شور راه‌شجویی به دانشجویان گوشه می‌زند
که همیشه منفی بافی نماند بلکه از راه مذاکره نیز می‌توان مسائل را حل کرد.

۳- تخریب ادنیال - تخریب ادنیال عملی وجود در مدل‌های دانشجویی
را بر واقعیت‌ها موجود جامعه سربسی ملینه در آن را همانند یک زانیده سیستم اجتهادی
- اقتصادها از نیایب ملینه، ملیم برکات (HALIM BARAKAT)
که یکی از معتقدین به این نظر می‌باشد. در کتاب انسان در کشاکش می‌گوید:
"این تخریب که دانشگاه یک تحمل مستقل و باطن است، ادنیال که
لیبرال‌ها در حدود راه‌سود کردن آن هستند بی‌نیست بی‌وجه. دانشگاه در
حقیقت قسمتی از جامعه در دست به‌دن می‌باشد. وظیفه آن تربیت
و تعلیم انفراد برای نردان و زنده نگاه داشتن آن است. لذا تقارهای
کسی تا پذیر موجود در جامعه در دانشگاه نیز انعام فرمود را پیدا کرده رست
رسوای قدرت سیاسی دانشجویان را منضمر بکنید."

کسانیکه علت وجود منبهای دانشجویی را در یک مسائل مانبا
حسبجو مکنند اغلب برآنند نظر ایشان به نکات زیر اشاره می‌کند.

الف - چون دانشگاه محلی، کوکبیا است و نیز چون امفاناستا تمامگیری
و غیر نظامی است و دانشجویان مسائل است، حرکات سیاسی شکل میدهد.
ب - دانشجویان چون هنوز باه سرمه زندگی واقعی نداشته اند و مسئولیتها
از قبل بردند و آماده ندارند، در نتیجه برای تأمین نظرات خود را بدون
تدریس بیان کرده و در یک گفت.

ج - از طرف استاد پیرما مه، دانشجویان بعد از آنکه جوانی که
هنوز با اندازه کافی بالغ نشده اند از بیای شده و نتیجتاً جامعه مادران کسی مدارا میکند.

د - گذشته از تقاضای مسائل، دانشگاه محلی راست برای تحقیق و بررسی.
در نتیجه دانشجویان زودتر از دیگران به تقاضای جامعه می‌رسند.

همانطور که گفتیم عدالتی این معیار شرایط را عمل به وجود آمدن منتهیهای
دانشجویان را در این نتیجه می‌بینند که دانشجویان بعد از آنکه همه تحصیل به
عالم مردم و وجود شرایط بالا در منظر قرار می‌گیرند.

"علمی بیگانه" در جواب به این معنی می‌گوید: درست است که معیار
شماره بالا و امتیاز دارد و تعریف که در صورت زندگی دانشجویان راست و
اینجا آنکه بود در حرفه بیگانه‌ها دانشجویان باشد نسبت فقدا و به فعالیتهای
سیاسی آنان کمک کرده و شرایط را بوجود می‌آورد تا در میان آنها دانشجویان
توانند فعالیت در زمینه سیاسی شرکت کنند.

"تاتالو" (DATA LOVE) در کتاب "طسند شوهر" در بیجا
علل بوجود آمدن بیگانه‌هاک سالها ۶ در اوایل و کمدها می‌بینید:
"نظامات دوران ۶ برای اکثریت جامعه انسان و سیاستمداران
غریب کنیان غیر مستقیم بود که برای آنان این مسئله به شکل یکی از محاسبات

بامعنی مخرج گفت: معنیست دانسته رسیه های املی حرکتها
 دانشمندی را نمی توان با توهمیل به جانی ویا دانشجو بودخ لندلا شکل نموده
 آن توجیه کرده بلب هی باسیتی عمل را در قضاومای املی نموده درجانب
 مستحوسند.

ولی آن توده همگه حرکات سیاسی دانشمویان در قضاومای
 لغتایی نموده است، تا بدان اتمت رخصیه حرکات سیاسی آنها را
 در مقام عقبت زنده لیبیان راه باسیتی در تغییر و تحولات راستا لیبیا
 کنده و تالیلات عملی در آن مستحوسند به عقیده ما ملت املی
 رتت منبیا منبر سیاسی خارج له کشور در حال حاضر و اراشه سیاسی
 های رنعا ریمک له طرفت لنداد نمون اراشیا هی باسیتی لر هینی ما
 دناز کرد یعنی سبریمی تغییر و تحولات در ستا لیبیا درجا و تالیلات
 عملی در آن.

دانشتای لیبیه فاسین منبر سیاسی خارج له کشور در همین سال
 رخره بدال پرنلاطی اراشه اند. سبریمی دشمنان لیبیاها مختلف
 دهن آن منبرها رست که هی باسیتی بدال سیراقت.
 بواسی قمت اول این مقاله اراشه بر نامه باسی که نالان
 نطقاً نشان دهنده سمت لیبی لیبوی و تالیلات عملی هر فرد
 هی باسیتی ولی با انبیا در ادامه ای مقاله ما مشخص کردیم ای
 سه رادر راجه با پر هین سول به خود خوانده کرده و تنها ذی نفاک
 عمده ولت پر هین التاخر اجمی خورد.

۱- در لایحه قیام تعداد بسیار زیادی با اقامت تأثیرگذار شدن سروا

گذاشتن و مسأله بسیار با سیاستها خارج کشور پیوسته و مداراتند نیز
خوبی از طرف دعا و وظایف با اقامت نمودند متأسفانه این همه همانند
سندی همسایه و به وقت کربادی به مدین خورشید را می‌دارند.

این همه به جهت کوتاهی سبب و اسم از طرف خود را برین مسائل میسر
نموده. مسائل پیامونی زیاد که قبیل کلمات تئوریهای بدمدار واقعیت
گفته بارمانها سیاسی، نهاده سرپوش بازیات ششم، انتظارهای
بسیار، ماه طلبی مبنی از "سبزبان" و "سفیدان" مبنی سیاسی خارج
از کشور و... در این کشور نیز در این همه دخیل بودند.

تسته از این همه هنوز هم مانیلهای مقالاتی با اقامت را هر چند در سالی
محدود دارا هستند. در حال حاضر که بعد از اینها نیز با مشغولیت در واقعیت
رنگان به خود وارد کردن از این اندر ما را منع کرده است.

۲- کثرت تریب با اتفاق مانی مبنی سیاسی خارج از کشور در لایحه

تیا که در داخل سازمانها هرگز معلول به مانیستیا بودند. از هم با شدن یعنی
از این سازمانها سیاسی را بیان و کلمات تئوریهای بدور از واقعیت این سازمانها
مده بسیار زیاد از این مانی را به تکرار می‌کردند. مینا رسید؟
این سؤالی بود که بدوی در آن زمان مطرح گشت. در این مسئله بود که ما شاهد
تبدول برنامهای نظامی سازمانها و مانی جدیدی را در تاریخ مبارات سیاسی خارج از کشور
بودیم. یعنی به این جهت که رسیدند که علت تفاوت این مسائل در کشور
انقلاب است و با این نهم "مقاله مانی" را پیچید.

تستی از این دوستان بعد از این از نشانات درونی خود را هم بر سر
مسئله ای که بعد از آن مواهم برداشتند، اخیراً اندام به نوشتن شریای

به نام "کنکاش" ننوده اند. در قسمتی از پیمندک گذشته

خود این روستان عینین میونسید:

"حسبگیری شریه: انتشار لوسیه رانقلابی رنظام

آن فعالیت قابل ملاحظه اما از سوی جمع ما بود و در مد خود به شرح

برخی سنوالانت رفتد نظرات و معامیم گونه لکنا ننند.

سرفنظر لز معما قلی که در شکل همکاری برای انتشار شریه مؤثر

بود کب رسیک بسیر جعت گیری عسوی شریه در جریان بود.

پاره ای از رنقا که در معام پیشین با لاسی در کم هویتیا و یا ننند

مقابل میان بران بود که مقاله های شریه را از انتشارت رسیا مار لسیسم

عند با لقتباس نناید. بسیرا دمیدار ماننیز در عین بسیر لعتیب

این معام. انتاب. خالانت را مانته ب معیار لعلی لرتباط با

مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی ر لقتصادی مانته ایران بسینهاد

مکتیرسیم.

سیری مقاله ۸ شماره اول شریه بیانند کذت که از

مجموع ۳۸ مقاله درج شده (شماره رسیا رما ننمور شده اند) تنها

۷ مقاله مستقیما در مورد موضوع لزمسائل ایران بود. تقریبا تمامی

این ۷ مقاله نیز توسط آذغانا معامته شده که این معیار افرا اشرح میگردند.

از شماره ۸ به بعد (که ما بعدانی سه تن بسیرا ز هکلمان همراه بود) بودند

کم توجهی به مسائل ایران باز هم ادامه یافته است، بطوریکه

از شماره ۹ تا ۱۳ این نسبتا به ۱۱ به ۲۳ رسید است. ما در مقاله

با شرح مسائل نظری ما لسیستی نداریم و در داشتیم. اما در این مورد موجودیم

و همین که شرح این مسائل ننو باید دمید مسائل مهم مانته ر اتمت الشاع تدار

دود. آنکه تا بحال تنها ۲۲٪ از مقاله ها مستقیماً در مورد ایران بوده اند

کیا منت عدی سابقاً نشره محسباً میشود.

این درستان در سرشنس همین نشریه علتاً استجاب خود را همین
 بیان میکند: "اما فدائیان از نظم مدین: حقیقت امر آنستکه همدان
 بسیار جدا نیهای که در این چند ساله در میان گروههای پراپاگاند
 گرفته است، مثلاً برسد سازگاری میان مدین و گروهها و نشرهای
 مدین یکی از همکاران نظم مدین "دنا" بود. سخن برسد روس کار
 مدین نظم مدین" بود. و اینجاست که بر اساس تقاسم و دسته بندی
 همدان یا منت مدین زمان در میان اختلال سردید. حقیقتاً تلفی که در تقاسم
 در میان قالبهای روشنگران ایران فدائیان میکند، مثال به ما اللیتا
 مدین بر نشریات و کنترل امور دستا. یک نشریه با همکاری یک
 بیع سازمان مللید. اما در عمل با سازمان میا فرد فامین همدان باید رجوع
 مداریم و گاه مانده مدی رفتار میشود که همین همدان یا مدی در زمان
 ماه باز ملید. در نظم مدین "بنی مدین" دستا و دستا سردید.
 پس از مدتی سه سال همکاری در نشریه را نشا ربه شلو که آن هنگام
 همید تنها با دستا. دستا رها می رفته مقدر شود و این سالم گذشته
 افتاد کرد و لذا موصح کنترل همدان در مدین معیارهای مدین
 دستا شیا مطرح سردید، با مخالفت در نشریه ای از همکاران که خود را فامین
 - امتیاز" در دستا مواج سردیدیم. علی بنم لک در سه شماره کاشود
 که در خارج از ایران دستا رایبه بود مسئولیتها در تقسیم لیرتو اعسا
 سیاسی و نظریات خود همی وقت عمران همدان تقریباً "دنا" که در دستا

در مدنی از منوالیهای داخلی و خارجی سودها به تقیم خوبی تازیدهای از کردارهای

منه قابل انظار است، غیر در کراتیک و در هیات انفرادی تا سپید از این معیاران

مستامده می شود. تا مدتها دستاورد دستاورد تقاضای بعضی مانع همای

شدنمان بر همین اساس است. اما هنرهای که برای اعتبار این به همین روش

کارها در رشته های است قضای لذت به با فقه و روحیه ای تازه سپردا

ما ساه لکنند. تا آنجا که کار نشود عملاً به توتمنا کشیده شد. نگاه که

برای ادامه کار با این معیاران به محبت تقسیم و از ویجا تقاضای محدودتر

در روش کار بر آید بپیدا علناً با طرح بیس کویا بودنش در انتشار نشریه

در ایران، کتابهای مالی و عملی اس به شیوه در دفتر با طرح این مسئله

علیرغم نقد رما، و کتاب سرودیه همیشه نشود در میدان تنها به سیمان

کن بوده و فراموش بود، معیارهای محاربین را قبیل کرد. بنابر سیریکه

و میان ما به عنوان معیاران در تقاسیم، و تمکات بر نشود، در هر کار ارجح

داشتارانتها کرد. برای ما نیز در همین شرایط ناچاراً راه راه مباره

میزان رسع مقبول است. اما در رسید "او" بطور مندر در سون رسید

تدریجاً به وجود و ما به مدنی از منوالیهای داخلی و خارجی سودها به تقیم خوبی

با دشواری به وجود می آید و تقسیم نسبتاً به نشود و به منظور رسیدن از نتایج نامطلوب

که قبلاً بدینال می آمد این کارها بر همین رسم، بر بیان غمتا بود تا باین

روشها در معیارها بودیم که در مورد در کردار همواره در دستاورد این بوده ایم.

لذا، علیرغم تمایل به سامان به ادامه کار انتشار تقیم بدین "رای سامان

دان نشریاتی رسیده داده و در کلمات را از این پس با کتب همکاران بوده در

"کنکاش" ادامه مواجیم داد.

تجربیه مرعیه کوتاه این داستان نشان می دهد که "مفالات امرنا"

سویان بنامه بدنه پایانی را در بر دارد. مسائل حول رمیتا، زه و امتیازات
ایران در زده، و در اینجا که بر سر مسائل غیر از بین مسدود می‌گردد. انتساب
درست است.

همچون اصولی مذکور است "تثویب" این یعنی نیز اساساً بر سبب رد مارکسیسم - لنینیسم
که نظم بر شکل اقتصاد بر آن صورت گرفته، البته این نوع سمت‌گیری تثویب برای
از این ماره نیست که مطرح می‌شود. مانا (نوسید زوری) در طیفه شهری
برای این نوع سمت‌گیری می‌تواند همین‌ی باشد:

"در سینه مردم تن در زخم و دمان تن بیستم مارکسیسم اوید شهری
سود که فلاسفه و مابعد فیلسوفان بورژوازی با دلخواه فوئی یا با دلی بر مورد
مکتوبه دلی می‌توانست که کنار آن به دستند. ولی با شروع انقلابات
و تغییر سیستم‌ها اعتبارهای این ادیان شدیداً دچار تحول شده بود. در این
سابقه مسئله و انتقاد از مارکسیسم می‌باشد فائق آمدن بر آن تصور می‌گردد
بورژوازی که مطرح می‌شود. یکی از اسنای مبارزه بورژوازی با مارکسیسم این است
که تعداد کم به حل همان مسائلی منتهی که مارکسیسم آنرا حل کرده است
ناچاراً مجبور است راه‌های فلامبرازانه دهد و دستاورد آن در لغتنامه
در مقابل راه حل‌های مارکسیسته را است. دهد.

این حکمت بورژوازی به عنوان یک نوع انتقاد از فوئی طبیعتاً سبب می‌گردد از روشنفکران
و دانشمندان که سمت‌گیری ضد بورژوازی دارند تأثیر می‌گذارد. البته باید در نظر داشت
که این سعی فلاسفه بورژوازی برای برگرداندن مارکسیسم به رخنه‌های فوئی و طبیعتاً
نه تنها فوئی و دانشمندان لنینیستی‌ها که مارکسیسم‌ها را تمسک یافته‌های
رسد و حکمت می‌باشد. در مقابل هم برای سندها مانع گفته نیستند. بورژوازی
در آن راه که به مسئله مارکسیسم می‌پردازد که گمان می‌رود مسئله بسیار مهم است

میبندد و آن نیست که مارکسیم را نه به عنوان یک علم اجتماعی که عدالتش تابع
بافتنه فلسفی نیست و نه دارد، بلکه به عنوان درامدگان مطرح می کند.

داشتن شناخت از این نوع تبلیغات در دوران سوسیالیست در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در ایران
که اطلاع کافی از مارکسیم نداشتند، پس برداشته بدانان میوهده که آیا مارکسیم حاصل
یک سری ادراکات معانی و بعد از آن میباید که با تلقین نشود بجا که رسید حاصل
میشود. این مسائل تأثیرات مهمی بر آن ایروولوها که چپ ارتجاعی می نامند. کلاً
ایروولوها چپ ارتجاعی که به ندرت منجبه در مارکسیم می دانند به اشغال زیاده
مارکسیم دستاورد مکتبته:

۱- تلقین مارکسیم مانند ریخته گسی در زمان و جامعه سوسیالیست در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در ایران

بیستم

۲- تقسیم کردن مارکسیم به دوران مختلف و انتقاد از آنها مثلاً جدا کردن مارکس

دوران و مارکس پرولتاریا.

۳- تمایز نه داشتن بین مارکس و لنین. انگلس و مارکس و میره.

۳- بار عبودیت برای دولت استاده ای نیز بصورت سوالنده دستاورد مکتبته ای

که نیاز آن در شرایط کنونی وجود دارد می زنند.

این جنبه از تشویش و نگرانیها که مختلف نشکلیت کرده بود که تمایز نه تنها از جمله این
مثال کوتاه خارج می باشد. بحث ما در قسمت این بوده که ما در ایران نه تنها در همان
حلقه و تیاسنل کلنی برای آنجا که وظایف سیاسی خارج از کشور می باشد. لکن نشکلیت
دمنده این جنبه از تشویش در شهرهای مختلف نظیر ریالنده مشغول در آنجا که کارهای
مکتبته بدون ارتباط با هم در ایام از زمان کم آنجا که می شود. در حقیقت در اوضاع

کنونی همین دنیا مقدره بی باسی با پیشقدم شدن ، چهارچوب یک سیاحت سازماندهی
 خارج کشور را به دنبال رسانه و از بهرگاه های جدیدی گفتند . منظورشان بی از کارهای
 که این طیف در شعبه های مختلف در داخل کانونهای مردمی است و بدون ارتباط با هم
 دنبال میزند :

« شکل کمیته های " دفاع از دروازه های ایران است . »

این نوع سازماندهی های کوچک در اینجا را نباید از هر چیز نشان داد که آن است
 که در حال حاضر نیاز به ساختن همکارها در سطح وسیع می باشد .

چه باید کرد؟

دفعه ما هم میفرمایند که همیشه رشد تاریخی های مردم در ایران از مردم
 تبلیغات امپریالیستها در داخل و در خارج ایران ، مله به ران مناسب ، لازم است تا سازند
 ایران در مقابل و میگویند ایرانی در این همه مبارزه که در باستان از مدیریت واقف مردم
 بیست و پنجر سیاسی خارج کشور که طرفت میسر می باشد . دفعه رسیده به باسی در تمام داد
 حرکت مثبتی بر سر مسائل است که در آن طیفی از جنبش سیاسی خارج کشور
 هم نظر می کنند . مسلمان بی باسی انتظار داشت که این حرکت مثبتی هم برادر میسر می
 شروع کار با کمیته کمیته های با کیفیت بالا میزند دفاع می کند . به یقین برای حرکت مشترک
 نتایج به داشتن یک تشکیلات است که میسر می باشد و در آن تشکیلاتی که در آن دوباره دیده شد
 تا و بزرگان « برنا هم روزی دنیا جدا میزند . بزرگان که متوجه به دنبال جمع کردن
 نکرده خویش هستند . این تشکیلات می تواند به قدرت شورای ملی میسر می شود بوجود
 رسید . بی بالاتر از تمام همتهای یک جنبش سازمان یافته است . همتهای آن میسر می
 بر اساس واقعیات و تئوریهایی که شکل دهنده آن تنظیم کرده . هدفش آنکه

در متن مقاله گفتیم، طبق سواد آن می‌دوستان است که لامنه ریالت این
کارت را بر عهد دارد، هم‌اکنون این زمان نه بی‌نستی آن باشد که رفقای کماله
سرای نهاداران و تصویر مکتوبه (در جمع به مقاله معروف حجت در باره ولایت
هواریان حزب، در خارج کشور)، برنام‌کننده خواهان تشکیل شعبه مناسب
کونیست در خارج کشور است، و نه برنام‌کننده یعنی مسائل ایران بود.
برنامه‌های سازمان بی‌نستی سیتار هر چند بی‌سود و نافع از مهارت است سواد ایران.
لشاه رژیم ریاسته‌ای فعل گفتا گفته بان باشد.
در این راستا است که انفراد جنبش سیاسی خارج کشور بی‌نستی به مسائل تنوعی
نیز پرداخته، بی‌نستی تک‌انفرادی خود مستقلاً متوافق نمیکند، تا به بی‌نستی
زمینه موجود در آن "بزرگان" را از بی‌سود و بی‌سالم و مهارت‌آوردن
تشمیلات غالب نمایند.

الف

دوستان و رفقای مبارز!

۱

ده سال از قیام شهدای خلعی که برای ایران دستنبرد می‌کنند با هم پیوسته به پیروان ما

میگردند. این قیام عظیم تر می‌توانست ضربت بزرگی بر پیکر مستم سرمایه دار داشته باشد

و اگر در وی بدین عدم حضور یک سازمان رفیقان کشته با تندی انقلابی ترانست

خلعهای تحت اسم ایراک و از قید و بند روابط سرماییه داری آزاد نماید. در نتیجه رژیم ضابطکار

پدوی سرنگون گردید و جای آن رژیم خدمتگزار و دیرانگه جمهوری اسلامی. به قدرت رسید

رژیم جدید از طریق سازش با امپریالیست‌ها در پنهان و هم‌کاران شدن با قوه‌های مردم در جهت

سود ایران

سرنگون رژیم پدوی، موزیانه توانستند قدرت را تصرف نمایند. رژیم جدید که ترکیبی از عناصر

دنیوی و ملی مختلف بود، ترانست با بهره‌گیری از شرایط موجود شاه را از محنت بیرون

راند و به تدریج به پیکر خرم خود در سرمای داری وابسته را در ایراک از ترک نجات دهد.

جمهوری اسلامی با به عاریت گرفتن یک سری شعارها و مواضع به ظاهر مردمی و ضد امپریالیستی رهبری

جنبش را قبضه نموده و با برقراری دولت فروش دنیوی و سرکشی‌هاش، از راه کمالیزه شدن

جنبش مردم به تدریج هدایتگری نمود. رژیم فئینی پس از تحکیم خود در ایراک دولتی دو عین سرکشی

نیز برای انقلابی و جنبش‌های مردمی، دست به ترمیم ارتش و سایر نهادها می‌فرستد و در یافت

این پدش از کردستان و ترکمن صحرا آغاز گردید و سپس به اقصی نقاط ایراک گسترش یافت،

ارتش امپریالیستی کردستان و ترکمن صحرا را در اولین بهار "کوزلدی" اشغال و سرکشی نمود، سپاه پاسداران

شورای دهاتی ترکمن صحرا را به فزون گسیند در شهر با بر دیر زندانها و ابزار شکنجه بکار افتاد

و آزادگیران و انقلابیون جعفری‌های اعدام شدند. دست‌های سرکشی حزب الله

به وصیانه ترین شیوه مردم را در کرم و بازار به فتن کشیدند. برنامه سپهر در دوران جمهوری

اسلامی در جهت ویرانی ایران و غارت ثروت ملی مردم بدین جا فتنه نیافت، این بار می باید

در پناه یک جنبش تمام میثاق تمام انرژی انسانی و طبیعی ایران را به جهت منافع ابریایت کابینه نابود داد. در اول

این جنبش خانانوز و وزیران و بیگانگان ایران را آغاز کردید. این جنبش دارای اهداف بسیار

برده و حس که در محرد آن بنای رژیم جمهوری اسلامی بر پایه وابسته می باشد. بررسی جوانب

و اثرات این جنبش چندین ساله از عمده این مقاله خارج می باشد. ولی آنچه که باید مورد توجه قرار گیرد

اهمیت آثار فتنه انگیز این جنبش در منطقه نظر کلی و گسترده در زیر بطور مشخص می باشد.

امروزه بدلیل فتنان یک سازمان پیش فتنه سازی در ایران که بتواند از شرایط موجود بهره گیری

نموده و معیال و ضم کرده های مردم را در جهت براندازی این روابط گامیازده نماید، رژیم جمهوری اسلامی توانسته

همچنان در ادامه جنبش ضدانسانی و دیراندازانه اش با فشاری عمده و هر روز به هزاران انسان بیگناه

از دو طرف بسیار میانه های ترک میزدند. در چنین شرایطی همواره مردم کرب و غارت

مردم بطریق فتنه ادامه دارد و چشم انداز زنی در جهت تغییر این اوضاع اسف بار ترده؟

در لحظه و جبر ندارد. رژیم برای تأمین مخارج سنگین جنبش نه تنها ذخیره های فوق کشور را با قیمت

نازل در اختیار ابریایت قرار داده بلکه با ایجاد قوانین جدید مالیاتی و اعمال انزاع و اتمام محارفات

فشار را بر ترده های مردم مضاعف نموده است. مردم ساقها و حتی میزند در صحن های بی انتهای باید

برای رفع ابریایت ترس نیازهای زندگی، ترس میزند تا بتوانند با حداقل صبر و بندر ادامه می دهند.

امروزه پس از هشت سال از جنبش ارتجایی بین دولتی، ابریایت و ضم و فتنه انگیز

آن بوضوح به نظر می رسد و در تمام بر صحن های زندگی مردم به چشم می خورد. سلبی در نا انسان بیگناه

ناطق مغرب و جنوبی ایراک که در گذشته در دست ما بود و در شرایط بسیار رقت با مردم سر می بردند. بیشتر
شهرهای مناطق مغرب و جنوبی توسط دشمنان و مجازاتهای بیابانی عراق تماماً با خاک یکسان
گردیده اند. چنانکه پیش از این یک میلیون نفر کشته و حدود یک هزار نفر دیگر زخمی و معلول
گردیده اند. اما ما هم در این راه هم چنان به سر باز نبریم و اینها را به جبهه های
غرب ایراک می بریم.

بنابر آنچه که بطور مختصر و اجمالی در مورد شرایط جدید حاکم بر مسکن بیان ذکر گردید.

آزادیم و وابسته سلطنت پدید آمدیم و قیام خلقی سرنگون گردید، اما مردمی در این راه
باشیده های سرکوب خشن تر جای آنرا گرفتند. این مردم در شرایطی به قدرت رسیدند که خلقی در

اوج حرکت ببلور آمدن قرار داشتند و از سوی دیگر سیستم ایراک باستانی دچار بحران دوره آخر گردید.

بود. این بحران اقتصادی می باید که سرنگون و وابسته سرنگون گردد و ایران بعنوان حلقه ای ضعیف

لذا این سیستم نیز دچار بحران اقتصادی می شود. ^{رابطه با این} مردم جدید می باید که در زمینه اساسی و سیاسی

انجام وظیفه نماید زیرا منابع ایراک است؟ در روزهای اخیر در نتیجه قیام مردم ایران هم در ایران

و هم در منطقه دچار آشفتگی گردیده بود. از این رو سردمداران رژیم جدید از ابتدای در دست

گرفتن قدرت در این زمینه یعنی سرکوب جنبش خلق از یک طرف و با استبداد بی نیازهای

اقتصادی ایراک است؟ و در نتیجه (منظور ما، فتنه از راه نفت، به حراج نژاد در قدرت ملی

در جهت خرید سرمایه آور اینها رفتی از پیش از هفده دولت بزرگ و کوچک، میلیتاریزه کردن

کردن منطقه توسط ایراک، خرج خلقی منطقه، مجازات کشتی های نفتی و جواهرهای نفتی...)

از طرف دیگر، اقدام عاجل نمودند.

این واقعیات تلخ برهنگی ما بوضوح عیان است، امروزه به جزایرت می توان گفت که اکثر تولیدکنندگان مردم
 مجبور می مانند که این ^{حفظ} سرمایه را در بیابان و بیابانیت حرکت نموده و
 در برقراری نظم برای تجارت صنایع کوچک خویشی بکنند. در این حقایق از
 نظر افکار عمومی بین المللی چندان روشن نیست. امروزه اگر ~~کشور ما~~ ^{کشور ما} ~~در این زمینه~~
~~کمی پیشرفت~~ ^{کمی پیشرفت} می کند، بیبرال رهی ترقی بدلیل عدم اطلاعات کافی از اوضاع درون و بیرون
 هنوز عینی و ندیم جمهوری اسلامی را " هندو بیابانیت " دانسته و بر این باورند
 که از حمایت کرده های میلیونی نیز بر ضرورتی باشند. علت این ضعف، نبود یک حرکت
 منظم و پیگیر از جانب ایرانیان معتمد کشورهای خارج می باشد. علی رغم اینکه امروزه
 تعداد ایرانیان برون مرزی نسبت به سالهای قبل از قیام هندی برابر می باشد،
 ولی بعلاوه عدم فعالیت مؤثر و سازنده ایرانیان ترقی و مبارزه هیچگونه روشنگری فعالی
 در بین افکار عمومی صورت نگرفته است.

متأسفانه بخشی از نیروهای موجود در خارج کشور برای اعتقادند که امروزه زمینه انباشتن
 در خارج موجود نیست زیرا عینی مابده شاه نیست و به نظام هندو بیابانیت می باشد و بیابانیت
 مابده گذشته منافعی را با بر زمین ایراد کرده نموده است. اینها بخشی از واقعیت هستند
 و بهر حال بعلاوه تبلیغات منظم و برنا سبزی شده دستاورد های تبلیغاتی کشورهای بیابانیت
 مردم دارای روحی رستاه در مورد ایران میباشند. اما این واقعیات قابل تعجبانه، اگر چه

سایه بود انشاءگری با دران رژیم شاه متناوب است و در هوای زمینی که می باشد
 چون سنده جنب بین در دولت، بیلیتارتره کردن نطقه، شکنجه بر اعدام، فرسودگی مردم و اسلحه
 هنوز بعضان سایه قابل دیک برای ازار مترقیه دیرال ملحق می باشد. بر بستر اینگونه
 انشاءگری است که میگرد ماهیت اصلی رژیم جمهوری اسلامی را برای انکار عمومی
 مترقی رسن سافت. در گذشته بدستی خود فعالیت برین کتدراسین سنده انشاءگری در مورد
 رژیم شاه بود. این زمینه فعالیت در ابتدا ما شده سرلیک کنونی مواجه با مشکلات فراوانی بود و در نتیجه
 دیک لهیت انشاءگری در برنامه دیزی که لازم را اتخاذ اشکال مناسب، کتدراسین سه حق
 در اما فرجه لا بدون انزاق ترانت چهره اصلی رژیم شاه را در امر حبه انشاء نماید.
 سنا این حرکت بازگشتی را نشانی ایران در خارج از کشور کمک میزنی به جنبش انقلابی
 خلق در ایران بود. از رنده با تجربه اگر که از گذشته در اختیار ما می باشد و با بکارگیری اشکال
 جدید و متنوع تری می توان در جهت انشای رژیم خودخوار خمینی در بین انکار بین المللی
 حرکت نمود. سنا این حرکت آغازش که یک دو کتفه خواهد بود و نباید انتظار است
 غیر واقع بینانه از حرکت ماله داشته باشیم. پس از سالها عدم حرکت فعال و سرانجام کار رژیم
 خمینی یک شبه انشاء نخواهد گردید. این را باید در نظر داشت که در ابتدا نه تنها انکار عمومی
 نسبت به سایه ما توجه لازم را نشان ندهد، بلکه در بین خود ما ایرانیان نیز افراد دینورگانی
 هست که در بین مواقع با سرشک اینگونه حرکات را بی برداشته و بقیه را به بی عملی ماست
 چند سال گذشته دعوت نمایند. این دسته هنوز احتیاج برت برای بررسی نقد گذشته
 دارند، تا با عرضی غیر به این تلاش جنبش در گذشته نئی نموده. و اجزای آن در وجه بی عملی امروز را بکنند.

سازنیام ۵۷، اکثر ایرانیان معتمد در خارج از کشور که تکلیف از دانشمندان و فعالین سیاسی

دینا هستند برونند، با امید و خوشبینی به آینده بزرگدست به سپین خویش به ایران بازگشتند

دستابیل سرداران رژیم گذشته با خروج میلیونها دلار یا رابزار گذشته واقامت

در کشورهای دیگر برداشتند. این گروه با حمایت از رژیم گذشته دانشمندان از تغییرات جدید

به بکن نگرانی بر علیه قیام خلق برخاستند. بر اثر نهشت زنا و روش نگریدیک چهره واقعی رژیم

و انکار جنب و سرکوب و ضیانه خلق و سب نمودن ارتدادی ترکیه حقوق سیاسی - اجتماعی مردم

بخش وسیعی از ایرانیان متعهد بدلائل مختلف که ناشی از وجود رژیم کمزنی می باشد، آگاه گسورگی

دیگر گردیدند. ترکیه و پاکستان در اثر مهاجرت همه ما هزار ایرانی بگونه غیر قانونی از طریق مرزهای خارج کرده

بودند و تبدیل به محل تجمع کوارتومان ایرانی گردیدند. عده ای از این کوارتومان با راستن امکان

دگت در ستا خویش مرفق به گرفتن نوزای گسورگی اردو پایی را مریکا گردیدند. اما این سیل

مهاجرین فرزین از شرابلی طاعت فرسای ایران بگسورده هنوز ختم نگردیده، اسروده دهها هزار

از هم وطنان ما در ترکیه و پاکستان در شرابلی بسیار سخت دردناکی زندگی را میزورند

سورگی می کشند. این دسته از ایرانیان همواره در خطر جدی خروج داسرارد به دولت رژیم

جمهوری اسلامی هستند. سازنا ملل بنا بر دلایل خاص و کلاشه روشن از همکاری دگت با ایرانیان

آگاه خمداد بر غمرله و وصفیت مرطنان مادرین گسورگی کاملاً غیر قابل ویش بینی

و متنزل می باشد. این کوارتومان اگر چه زیر ضرب مستقیم رژیم جمهوری اسلامی نیستند و با از صبه های

جنب ایرانیستی رحالی یافته اند، ولی شرابلی حاضران میدان از آنجی که در طول این صبه تر نیست.

بنابر تجربه و قیام و تأثیرات تسخیر آن بر جامعه ایرانی خارج از کشور و همچنین تجزیهات بر اثر
گذشته کنندار اسیران، امروزه اگر چه بطور یکپارچه و منسجم نبرد و افراد دست به اشکال تازه تری
از حرکات مبارزاتی میزنند. بدستی می باید این زمینه؟ تقویت گردیده و با حرکت دست جمعها
و بحث و سمینارهای متعدد به اشکال تازه تری دست یازیم.

امروزه برابر رسیدن به درگی و بالاتر از اشکال و زمینه های فعالیت نظری و عملی هم در بین افکار عمومی
و هم ایرانیان نیاز به یک حرکت جمعی و سازماندهی سراسری به چشم می خورد. سلا
هدف از تدارک در راه یک چنین سازماندهی، تشکیل یک سازمان دموکراتیک مانند کنگره اسیران
به شکل سابق نیست. اگر چه حرکات مبارزاتی کنگره اسیران گذشته بسیار مبارز و مؤثر بوده
ولی امروزه با دشواری از گذشته و نقد معنیها و نقاط قدرت مبارزات کنگره اسیران، می توانیم به
سازماندهی دموکراتیک دست یازیم که در عین باسختی به نیاز مبارزاتی ما در خارج کشور، دچار
آن سری مدابله عقب افتاده که ناشی از برنامه و حرکت غلط نیرد های سیاسی بود، نگرود.

این سازمان دموکراتیک نافی حرکات هوادار دیاگانها و انجمن های دموکراتیک محلی نیست

نفس این سازمان بعنوان یک جریان سراسری گانایزه کردن تمام فعالیت های دموکراتیک این نیرد
در جهت مایل بهی چون آوارگان ایرانی در پات و ترکیه و سایر کشورهای دیگر، جنبه صدور
اسلحه به ایران، حضور نظامی نیرد های ایرانی در خلیج.

لازم است که این زمینه های کار بطور مختصر بیشتر ترصیح داد. مسئله آوارگان در پات و ترکیه

در حاک و تعیین کننده ای است. تاکنون در مورد وضعیت آوارگان در این دو کشور اقدام

مشتری صورت نگرفته است. هر روزه هزاران نفر از طریق مرزها به بیرون آمده و با مشکلات فراوان

و آئینده ای فاروس تر از قبل در شرایط بسیار استوار و زندگی پدید آورنده از مزین آغاز می نماید.
شناخت بیشتر و آگاهی از اوضاع این هموطنان در جهت گزارشات و ایجاد ارتباط
مستقیم با آنان بفرمان شروع کار و سپس اقدام به اعزام گروه های بین المللی برای بررسی وضعیت آنها
و تسریع در کار ایرانیان، گامی حیاتی و تعیین کننده در تغییر وضعیت آنان خواهد بود.
متأسفانه علت عدم کار مستدلانه در این رابطه جنبی از ایرانیانی که ترانسه اند در کشورهای دیگر
اقلیت پیدا کنند، و از زندگی بهتری برخوردار هستند، از واقعیات دنیای زندگی این
هموطنان آگاه می آید. مسلماً اگر کشور های برنامه ریزی شده و آگاهانه
و مترش در این رابطه صورت گیرد، جنبی از هموطنان ما مهارت ها در راه بهبود زندگی
و وضعیت انسانی آوارگان حرکت خواهند کرد. با توجه به مشکلات سیاسی و حقوقی
سازمانهای ترقی دلیبرال در کشورهای اروپایی و آمریکا استفاده از قوانین حاکم بر این کشور
میتوان قدم های مهمی در این راه برداشت.

انکار عمومی بین المللی از منتهی حد هزار آواره ایرانی که ناشی از حکومت جمهوری
اسلامی می باشد، می آید. زیرا تاکنون حرکت سازمانها و منسجی در بین افکار عمومی
صورت نگرفته، اطلاعات موثق و لازم در اختیار نیردهای ترقی و دانشند دست گذاشته
شده که بتوان از لزوم امکانات آنان در جهت تغییر وضعیت این هموطنان، استفاده
نمود. این وظیفه سنگین و تعیین کننده را تنها یک سازمان سرمایه گذاری که دارای برنامه و توان تشکیل
راست می تواند، بر عهده برد.

وجود جنگ در منطقه بهانه مناسبی است. برابر کشورهای اسپر یا ایستاد در دین زرتشتی که تا حد امکان
 اقدام بنزدش را سلم به کشورهای منطقه بنمایند. بوداجم خریداری این ابزار و آلات جنگی از
 تجارت خلقهای منطقه ضرورت میگیرد. تا به امروز تنها ایران و عراق بیلینها دارا
 سلم از این کار مشغولند؛ کشورهای اروپایی، کره جنوبی، کره شمالی... همه خریدار میگردانند.

و بد تا پیش از آنکه در رابطه پنهانی ایران و آمریکا در رابطه با خرید نفت از آمریکا تحت نام ایران است
 بر ملا گردد. توسط اخبار و گزارشات بعضی از نشریات و روزنامه های کشورهای غربی،
 و شواهد عینی موجود در ایران و ذوق افکار مربوط به معاملات نامیده شده رژیم با
 دلالان اسرائیلی، زرتشتی، ایوانی، آلمانی، اگر ایرانیان باز در آنگاه، از این زور بندگان
 و اطلاع بردند، تا سنانه بدلیل ناپستی در ضعف و عدم فعالیت افکار گرانه ایرانیان معین
 کشورهای چهارگانه است. رژیم ترانسته تاکنون این جنبه غیرارادانه را ادامه دهد.
 سنا آرانها که برای لازم در پیشبرد صورت گرفته بود و وسایل را بطور روشن در موق
 در اختیار افکار عمومی گذاشته بودیم، بطور یقین صیدی از این معاملات و در رابطه خدشه دار شدید.
 علیه رژیم کنیم بدلیل بیکری تضادهای درونی رژیم سنده خرید نفت و رابطه ایران و آمریکا، از طریق
 جناس از رژیم بر ملا گردید. همواره جامعه ایرانیان که در فعالیت راه راه هر چه بیشتر افکار
 نمودن این معاملات نامیده شده خود. اگر با از سازماندهی کارگزاران و برپایه برتری مناسب
 بر فردا در بر داریم. بدستی که ترانسته بهترین نتایج سیاسی را از این شرایط خود و با حمایت دگت
 افکار بین المللی، از فروش سرسام آور اسلام که فاسد اراده جنبه در کشوری باشد.
 تا صند یاری جدگیری نماییم. به جهت حتی اگر امروز بتوانیم با بر فردا چه که دستارانه افکار
 در این زمینه را مؤثر بنویسد در راه کن قدم های عملی برداریم، مطمئن باشیم که می توانیم موفق
 به جنبه های افکار عمومی در جهت تغییر این شرایط نامعادلانه باشیم. از آنجائی که این جنبه
 هر تا یک دگرگونی ملی و از این جهت بلکه منافع افکار ایرانی است که در این جهت در آن وقت دارد
 پس نیز برای صلح طلب و کار خیر خواه نیز باید حرکت بین المللی و جنبه های مردم پسند کشور است.

که هر آنقدر تغییر ایجاد نمایند تا پنج بار از آن وقت که در مقام بر علیها بودیم امری که بنا شد
 است بین المللی از سبزه بر صحنه گواه این مدعاست. بلکه آنکه از تاریخچه مبارزات
 شد اسیر گرفته اند. این ادعا فندان غیر مللی به نظر غیر سبز بود که حرکت مبارزاتی در اثناء آن
 در ایران در کوشش اردو بی داری که نقش بسیار تعیین کننده در جنب حمایت
 کا رین المللی بر علیه رژیم شاه در محکمه در مسقطه داشت.

در چند سال گذشته حرکات صلح طلبانه و ضد جنگ هسته ای نبردهای ترقی در سراسر جهان موزن ارزشهای
 از این جهت است که باشد. بنام کسی بر این اعتقاد نیست که دنیا کاملاً ماری از سلاح های اتمی ترسیده و
 بلکه در اثر کوشش و حرکات شبانه روزی انسانهای آزادیخواه در صلح طلب، امروزه امری
 بعد از آن سرسخت ترین نبردهای جنب طلب و ادار به آغاز مذاکره در جهت محدود کردن سلاح های اتمی
 و مغرب با شوروی گردیده.

در قضا! از آنجا که حرکت این سازمان دیگر استیک بر ظهور حرکات انشاء ترانه و فرهنگ
 در بین افکار عمومی بطور کل و جامع ایرانی به ظهور شفق می رسد. نیازمند به داشتن در شریه فارسی
 و انعکاس می باشد. البته امروزه از جانب این باد کارهای تنگدست طوین عمل صورت
 می گیرد. باره بر مسائل خاص روز مانند حملات سر شکنی عراق به ایران و فتنی از نبردهای آزاد
 مبارز اقدام به انتشار اعلامیه های انشاء ترانه می نمایند. صرف نظر از نام ترسیدگان این اعلامیه
 حتی در محکمه یک سند را طرح می نمایند و خواستار گنگ از مردم هستند. ولی بدلیل
 محدود بودن امکانات این اعلامیه ها را بهتر بدویم که ششای عباراتمان تا بیانات صیدانی ندارند.

و همواره افکار عمده نسبت به مسائل ما بیگانه و در نتیجه بی تفاوتی باشد. از اینرو
 پیشتر در مائیت کردن سازمان فزونی ترین دستوراتی است که در این مورد
 با برنامه ریزی و تشکیل هیئت مدیران این نشریات و المراسم را در یک ارگان واحد
 و سرپرستی جمع اداری نموده و از هر یک از آنها یک گروه فزونی فرستادن سازد.
 کار نیست که بتوانیم این دانشنامه فارسی را نظیر از قبلی در باره کارها و پراکنده گری
 رایج جلدی نموده و ابد حفظ اصول دیگر است و احترام به نظرات و مواضع متفادت زمین
 یک حرکت فزونی را که هرگز از فراموشی نماند.

اینها نمونه های از زمینه های کار این سازمان باشد که سلا یا بحث و برنامه ریزی
 دسته جمعی و سرپرستی میسراند تکمیل تر و جوانب آن روشن تر گردد. این سازمان برای آنکه بتواند
 در برگیرنده وسیعترین افراد و نیروهای ذمهدار باشد باید با قبول یکدیگر موازین امری
 و اساسی جنبش شده خود را تنظیم نماید. بل این سازمان با تکیه بر دست آورد های تازه های جنبش
 می باید از عهد پادشاهی و عهد سلطنت پهلوی و عهد رژیم فاشیستی از اسلام و ارتجاع باشد.
 ۲. دفاع دیگر است که حقوق حقوقی ایران و سرسبز جهان. ۳. طرد نفس افراد و نیروهای
 که سابقه ضیانت شاه چه مردم در گذشته و حال روشن می باشد.

این موازین باید از طریق بحث جدی و دقیق تر گردیده تا بتوانیم هر چه وسیعتر
 ایران را از انحراف و مبارزه را در کنار خود بیاوریم. امید است که همینار با برخورد جدی
 و سوزناک در جهت تکمیل سازمانی دیگر است که سرپرستی قدم های مثبتی بردارد.

کلیه استکشافی مغز به دست آمدن سرمان است. مغز در خارج از کسری هم نیست افراد بسیار از نظر
سختی، ترقیب مغز در عبادت اعمالی و طبقاتی باقی مانده است. امری که در کشور بودن و دانشجو بودن، همان
بودن و از نظر طبقاتی وضعیت بیانی داشتن از شخصهای عزیز در این و فیالمثل چپ خارج از کشور هم بوده است
که این خبر میات - بمن داشتن خبرهای مثبت از قبل در کار بودن و داشتن تا پیش رویت فراوان در جهت
کارهای تشکیلاتی، عاید همی هم داشته است.

چپ بیلتا بنگه در سال بزرگ مردم دیگر نبرد و عموماً در فعالتهای اجتماعی و تشکیلاتی در مسکنهای مردمی و بزرگ
زندگی نشی بود از وقت آنجا که بود. از طرف دیگر مردم هم علم غیر احقر می که برای روش فکران تا قبل بودند
حرکتهای انفرادی در نتیجه حرکت چپ از جبهی نمی گرفتند. مثلاً به از انقلاب در حالیکه کرده های بی خانمان منتظر بودند
که با اعلامشان سرپا می شود یا بند و لذت است به معارفه برخی از سیاستهای سکوی زدند. چپ بدون توجه
به علم با قدران به آنجا نگرش با فغانی دولتی و تبدیل آنجا به ستاد های فرانسه می بقوی خیابانی و توضیح کم
سازمانی و می بود. چه مانند یا چنانکه راستی افراد چپ از شاعلی و عرفه های مکرول، آنجا را تبدیل به مکان
مردمانی یا کارکن فعلی نمود که در وقت جوانان ارتقاء درجه های دیگر استیب سازمانی گشته بود و هرده کارهای
و سکتا ریس هم به تیر تعویب میست. سازمانهای چپ همان بنگانی با اولی نبرد کرده که به هیچ روی توان
از نفسی در جامعه را نداشته و از درود به عرصه سیاست و از یال با اقتدار و از اب چپ و غیر چپ شهرت توان

بعداً و در این پرده منفر به تعویب خبر به شرحی کرده پرستی، خرد خرافی، اختیار طلبی، عدم توجه گروهی
در حقیقت سعی شرافت و بزرگ عالج نشینی گروهی کردند که نهایتاً به این از زندگی روزانه مردم اقتصد
منگردد. همچنین جبهی چپ از مردم تشبیه شد که چپ نتواند نقطه عستی همگون و استوارسی داشته باشد.
از تیر طرف در مثال و مانع جابری سیاسی و اجتماعی و دانش های فیزیکی و سایر کارها و انتقالی بزرگ و از طرف
دیگر در کار بود که لیزم و درگیری های بی حساب و بدون برنامه بیشتر. از طرفی در روشهای ویژه و دیگر استیب بعد از انقلاب
روند در واقع همچون روزنامه آینه گان، حجاب، انواع فشارهای مذهبی و سایرهای بدون محاکمه می عمل
بامی می باید از طرفت دیگر با همی کاری در بین مردم مع آوستی استقامت و جادگاری نظامی در ستاد های مردم
و شبکه ها که طرفت دیگر این تناقض را به نمایش میگذراند (البته طرز فکرت علمی و معنی تا آنجا ننگه به مقصد و کار
و لنگر طلبی با مده قابل آید است) و در همین استید در همان ایام لیست کمند یونی سازمانی برای مجلس اعلام سکرم
با همی پلیتیک های سنجیده را ریکال ضد مذهبی کرده های نهی این را به فراموشی دیگر از ستادهای مذهبی مثل مر

مردم در شش و طوره خردی تحت عنوان های ذهن بر روی بزرگ و کوچک و سکتا ریس و سکتا ریس و سکتا ریس و سکتا ریس
به ستاره برای تقاضای مردمی مردم در مجلس و در جهت به مقصد و کارهای حالتی بزرگ است. ستاره برای
خواستهای مردم است. بزرگ همان در زمینه است. سازمان دارن آرمان به مشکلات عمل و استیاری و استیاری

ما یک سند کاغذی مکتوم میگردانیم. اصل آن در دست ماست. برای روز چهارم بعد از آن که برای حقیر بودی
روزه در روزهای نفی میسر شد و نتوانستی برای وقوع حادثه بزرگ روز شنباه که مگر کسی نیست
می میرد و کسی می میرد. در این روزی تا وقتی که من خطابه هم بکنم و وقت تریا دور ترند. در این
روزان خود ساخته ذهنی شان خود را این برای خدای مملکت را هم بکنم و یک بار در می آید و این اوقات و تعداد باره بر آن بی نهند
و ما آنکه برای میده است تا آنکه در بسیار از آن خبری گشته او این واسطه ای که حذف می کند غنیمت واقعی بوده است.
ما صلا بیان امروزه بسیار از هم جدا نیست. بایستی این مامله را با باره حل در خواستهای مردمی در همه بکنم و این
در مردمی در وقت تغییر اوقات باره می کرد. با اعلان اینها های غلط نیستیم که بخانه حکام خواهد
بکند و در میان می آید. مخالفان این که اکثریت و سایر اندامی در خواستهای منفرد و سیاسی می شود و این
برای این نیستی که برای این از این در آن امری در آن حال بر نهایت افتد است. برای این که در این اوقات
است و برای مال و تقاضای غنیمت. برای که در این اوقات به دست می آید که در این اوقات
باز این در آن شرکت کثیره در نظر آید این خواست بود که برای این که در این اوقات به دست می آید که در این اوقات
در. مثلاً در مورد پانصدگان خارج کشور را در مورد به تعادل قدری موجود و جمع آگاهی و توان بالفعل مبارزه
همه گمان که در یک ترکیب بسیار با هم می آید و در این باره برای این که در این اوقات به دست می آید که در این اوقات
بسیار مترادف است با همین جانی یک خواست هم می آید و سازمانی این و همین است. در حال که در این اوقات
با هم می آید از خود می آید بنی المللی جانم هم می آید. البته این در مورد مسائل پانصدگان، یک این در این اوقات
توافق و گفتگو با هم و غیره هست و در این اوقات به دست می آید که در این اوقات به دست می آید که در این اوقات
است. اما آنکه در شرکت و اقلیت با هم می آید. و همه مشکلاتی که با هم می آید. و این که در این اوقات به دست می آید که در این اوقات
همه را آنقدر دیکتاتور می آید و در آن کار دیگر است. این که در این اوقات به دست می آید که در این اوقات
در خدمت خالصانه به جمهوری اسلامی را بسیار از این در این اوقات به دست می آید که در این اوقات به دست می آید که در این اوقات
از این که در این اوقات به دست می آید که در این اوقات به دست می آید که در این اوقات به دست می آید که در این اوقات
در این اوقات به دست می آید که در این اوقات به دست می آید که در این اوقات به دست می آید که در این اوقات به دست می آید که در این اوقات

اندر دنیای و حاشیای لرد که عمل بر زمانه میسر شود و در هر همکارسی هستند - عملاً اگر چه در هر برای خود سروری نیستند
منبر یک شکل (مثلاً سازمان پناهندگان) گردد، همه چیزهای سیاسی و غیر آن مجبور خواهند گردید
این مورد بر مبنای تقویت سازمان پناهندگان و بر پایه تعادل و قوی واقعی در جهت منافع اکثریت پناهندگان و در
تعرض قضاوت خردگان سائل را عمل و فصل گشته. همکاری و اتحاد عمل در حال حاضر مستعدانه از آگاهی
گسترده سازمانهای صلح طلب و طرفدار حقوق بشر استفاده نماید. ما در اینجا از سرایو دکتر تیلی برای سازماندهی
بر غور داریم و باید تلاش کنیم که هر شکل مستقل دکتر تیک فعلیت سرانستری پیدا کند. همین سازمانها
به اهتزاز می آید فضای بین المللی بر زمین همه انقلابی همدرسی سلامی تبدیل خواهد شد و در نتیجه اتصال لندی را فواید شکست
و دستگیری برای بالابردن همبستگی بین المللی نیز در راهی انقلاب جهانی خواهد گردید. در گذشته نیز اتحاد ملل هائما
تظاهرات نماف ویرانه علیه جنگ اوردند و خاندانی به سازمان ملل را بر گزار می بر می از خواستهای فرهنگی و سایر که است و باید
سفیران و روزهای تاریخی، محبتی معنی و موقتی و موسمی قدرتیهم نماید و راسته است که البته این قبل اتحاد عمل خواهد
همچنان مستعدانه توسط کمیته های موقتی در سطحی وسیعتر از این و بر گزار می شوند. اما در شرایط امروز وضعیت ما اتحاد عمل
در مورد خواستهای است که جنبه پایا دارند. این که خواستها کثرت گزیده است که همین اتفاق در ایران
جنگ و آوارگان میباشد. عمل های سیاسی برای ایجاد همکاری های سرانستری و پایا هستند. وضعیت خاصی که برای همگند
کردن همکاری های سرانستری بر روی این قبل خواستهای پایا تشکیل میسر در حال حاضر بیان گشته است. این
رشد همین هستند و باستی برای تبدیل به جنبش سرانستری و ایجاد شکل های دائمی و عملی را میسر
دکتر تیک و جنبش حمایت های بین المللی که شاخه است
این جنبش را باید در هر برای خود سروری نیستند



